

کارگران جهان متحد شوید!

۲۴ صفحه

# پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بها ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۸ تیر ۱۳۶۰

### در صفحات دیگر این شماره:

- کشتار و سرکوب خونین زندانیان بازداشتگاه موقت دادگمتری  
صفحه ۱۰
- در جمهوری اسلامی: خون زحمتکشان آگاه و انقلابیون  
"حلال است!!"  
صفحه ۱۰
- مصر: زمین زیر پای امپریالیسم و ارتجاع می لرزد! صفحه ۱۵
- اجتماع کارگران فولاد اهاوز: مشت محکمی بر دهان رویز بونیستها  
صفحه ۲۱

## تیرباران بیش از ۵۰ تن از کمونیست‌ها و انقلابیون توسط جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی



محمد مهدی سعیدی (تیرباران)



محمد مهدی سعیدی (تیرباران)



محمد مهدی سعیدی (تیرباران)



محمد مهدی سعیدی (تیرباران)

### روح افتخار

کمونیست‌ها و انقلابیون  
که بدست ارتجاع حاکم  
تیرباران شدند

- محسن فاضل (بیکارگر)
- علیرضا (ارشد) رحمانی فستان (بیکارگر)
- طلعت زهنما (بیکارگر)
- نام (منوچهر) گلشن (بیکارگر)
- سعیدسلطانپور (فدائی خلق - اقلیت)
- علیرضا العالی (فدائی خلق - اقلیت)
- مسعود قزانه (فدائی خلق - اقلیت)
- منوچهر ویسی (چریک مدائسی)
- سینوش آذریسان (چریک فدائسی)
- اسمر آذری (چریک فدائسی)
- جعفر کلاغی جی کجینه (مجاهد)
- داود فراهانی (مجاهد)
- رنا حاجی مسلک (مجاهد)
- علی امیرزهاجی (مجاهد)
- کاظم فخرانی (فخاریان) (مجاهد)
- امین ارسطافر (مجاهد)
- زهرا ابراهیمان (مجاهد)
- کبری ابراهیمان (مجاهد)
- غلامعلی جعفری (مجاهد)
- سیدحسین مرتضوی (مجاهد)
- آذرا حمدی - جعفر فنیروزاد - احمد
- چشم سراه - جلال هاشمی تنگستان
- نامرمنی وند - حیدر حیدری

وده‌ها شهید دیگر

فرار قهرمانانه  
انقلابیون کمونیست  
از زندان سیاه زاهدان!  
صفحه ۹

افراد مورد اعتماد  
آیت‌الله خمینی  
را بهتر بشناسید!  
صفحه ۱۹

انجمن اسلامی، این  
کانون جاسوسی منحل باید گردد!

انجمن‌های اسلامی ارگانشی هستند که حزب جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاست‌های خود جهت سرکوب مبارزات انقلابی توده‌ها در کارخانجات و موسسات دولتی، ایجاد کرده است. این انجمن‌ها ابتدا تحت عنوان عوام‌مقریبا نه‌ویا سو استفاده از احساسات مذهبی کارکنان نه‌بیهانه تبلیغ دین و مذهب بوجود آمدند. ولی همان‌طور که توسل دارودسته حزبی رژیم به مذهب وسیله‌ای است جهت فریب خلق و پیشبرد سیاست‌های ضد خلقی آن، هدف از ایجاد انجمن‌های اسلامی نیز جز در راستای همین سیاست‌ها نیست.

بقیه در صفحه ۳

کمونیست پیکارگر، رفیق نسربین  
آموزگار توسط پاسداران ترور شد!

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران



### در داخل زندان اوین چه میگذرد؟

زندانیان اوین  
منطقه بهترین  
فرزندان خلق های  
ایران در دور زیم  
پیشین و کنونی، سه  
دستور "داستانسی"  
انقلاب اسلامی  
تعطیل شد:  
سرمداران رژیم  
حاکم علت تعطیلی  
رسان را "داستانسی"

زندانیان اوین تعطیل شد  
سرویس خبری - روابط عمومی  
دانشگاهی انقلاب جمهوری اسلامی  
مرکز در اطلاعیه های اعلام کرد  
دانشگاهی انقلاب جمهوری اسلامی  
مرکز، دادگاه، دادسرا و زندان اوین  
از روز گذشته تا اطلاع ثانوی تعطیل  
است در این اطلاعیه از مسراجبه  
کنندگان درخواست شده است که  
بهمراه به درب زندان اوین مراجعه  
نکنند بجز بجهت همین اطلاعیه کلیه  
ملاقاتها با زندانیان نیز تا اطلاع  
ثانوی معلق اعلام شده است علت این  
امر از سوی دانشاتانی داشتن فرصت  
کافی برای رسیدگی به پرونده های  
مشتمل بر حوادث اخیر دگر شده  
است.

### مزدوران رژیم جمهوری اسلامی دست به جنایت دیگری زدند!

## کمونیست پیکارگر، رفیق نسربین آموزگار

### توسط پاسداران تروزشد!

میکنند و رفیق قهرمان ما نقش بر زمین میشود.  
در این تیراندا زبها یکی از عا برین همه  
شها دت میرسد. با سدا رجا نی بلافا صلا سلحه را  
تحویل پاسداران دیگر داده و خود فرار میکنند.  
مردم رفیق نسربین را در حالیکه گلوله مغز وی  
را سوراخ کرده و راست دست بگرا خ شده بود، به بیمارستان  
میرسانند و رفیق را در حال اغمه بستری میکنند.  
رفیق نسربین ساعت شدت تجراحات آورده به مغز و در حالیکه  
مدت ۱۰ روز در حال اغمه بود، سرانجام بشهادت رسید.  
یادش جا ویدورا هش پیننده بساد!

### کارگران و زحمتکشان!

رژیم جمهوری اسلامی با تشدید حملات و  
جنایات و خشیانه خود علیه نیروهای کمونیست و  
انقلابی و با برافرا برداختن موج ارماب و وحشت  
میگوشد آنها را و ادا ربه سکوت نماید.

روز پنجشنبه ۲۹ خرداد، در حالیکه گروهی  
از هواداران سازمان ما در منطقه سراه آذری  
مشغول انجام وظیفه انقلابی خویش و بخشش و  
فروش تشریه بودند، با یورش وحشیانه پاسداران  
مرما به کسبی میگردند تا مع فعالیت آنها  
شوند، و بر وی میگردند. در اثر مقاومت رفقها و  
عده ای از اهالی محل، کار به زد و خورد نمیگردد.  
در این میان پاسداران و او با شان حزب الهی  
یکی از رفقای دختر آآنجان کتک میزنند که  
دندانهای رفیق خرد شده، زخم و با ریه گشته و  
بدنش به شدت کمبود میشود. پاسداران پس از  
اینکار با سی شرمی تمام رفیق مجروح را بجهت  
داخل ما شین می اندازند که ما خود میبرند، اما  
در اثر مقاومت مردم و یورش آنها به ما شین سپاه  
آنها مجبور میشوند رفیق را رها کنند. در همین  
موقع یکی از پاسداران که به احتمال قسوی  
عباسی فرمانی، پاسدار کارخانه و عوا نحسین  
اسلامی کارخانه تولید رواس و رفیق هم در همان  
کارخانه کار میکرده است، از فاصله سیسار  
نزدیکی (کمتر از یک متر) به مغز رفیق شلیک

همو اتنان مبارز!  
جنایت بیشتر ما پاسداران و شهسادت  
کمونیست پیکارگر رفیق نسربین آموزگار، تنها  
یک نمونه از جنایات و خشیانه رژیم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی است. رژیم جمهوری اسلامی هر  
روز با مرتکب شدن دهها و صدها جنایت نظیر ترور  
و اعدام کمونیستها و انقلابیون میگوشتن ما سرگ  
خویش را به تاخیر اندازد. اما خون سرخ هر رفیق  
کمونیست و هر زنده انقلابی ستاره درخشانی است که  
آسمان انقلاب شکوهمند خلقهای ایران را روشنتر نموده  
و مرکز رژیم سرمایه داری وابسته ایران را نوید میدهد.  
تنگ و نفرت بر رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی!  
زنده با دا انقلاب!  
برغرا با جمهوری دمکراتیک خلقی!  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۶۰/۴/۷

### رفیق کمونیست علی ذوقی



کمونیست ۲۳ ساله قهرمانیکه در روزهای  
اخیر در جریان اشاکری علیه رژیم حاکم، سه  
دست پاسداران مزدور سرمایه ترور کردند.  
خاطره اش را گرامی میداریم!

توخی از شهسادهای ما که در راه پیکارهای اعتراضی علیه رژیم حاکم  
بدرجهت آزادی و برابری و عدالت و برابری

## مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک از مبارزه ضد امپریالیستی جدا نیست!



# جنبش کارگری



## کارگران پارس الکتریک! شوراهای واقعی خود را تشکیل دهید!

### حبس ابد برای کارگران مبارز بندر خمینی

کارگران مبارز پارس الکتریک همانطور که میدانیم از سابق مبارزانی طولانی، چه در زمان شاه شاهن و چه در زمان حاکمیت رژیم فداکاری کنونی، برخوردار بوده و هستند. ا. اعتصابات کارگران این کارخانه که آخرین نمونه اش در نیمه اردیبهشت ماه امسال جهت افزایش دستمزد و گرفتن ۲۰ روز سوود ویژه صورت گرفت، با سرکوب وحشیانه رژیم فداخلقی روبرو گشت. رژیم از ضعف تشکیلاتی کارگران استفاده کرده و با صدور حکم اخراج سه تن از کارگران به بهانه های پوچ و در واقع بطلت شرکت در اعتصاب، سعی کرد جلوی ادامه اعتصاب کارگران را بگیرد.

این ضعف عدم رهبری و شکل کارگران و سیاست سرکوب رژیم، در اعتصاب کوتاه ۶۰/۳/۱۱ کارگران نیز خود را نشان داد. کارگران ساختمانی شرکت پارس الکتریک که مدت ۴ سال است کارهای ساختمانی قسمتهای جدید کارخانه را انجام میدهند و روز مزد هستند، با خواست استفاده رسمی شدن در تاریخ ۶۰/۳/۱۱ دست به اعتصاب میزنند. کارگران اعتضایی از طرف مدیریت و شورای فرمایشی کارخانه تهدید به اخراج میشوند. اعتصاب کارگران بطلت عدم تشکیل و رهبری وهم چنین عدم پشتیبانی کارگران تولیدی از آنان بدون نتیجه پایان می پذیرد. شوراهای واقعی خود را جهت ادامه اعتصاب گرفتن خواستههای برحقمان، تشکیل دهید!

- ۶- هوشنگ داوری (ابد) - ۷- محمود ضائیان (ابد)
- ۸- اصغر گودری (ابد) - ۹- حسین گوگوشی (ابد)
- ۱۰- گوگوشی (ابد) - ۱۱- حسین رودباری (۱۰ سال)
- ۱۲- حسین جوهری (۱۰ سال)
- ۱۳- خداداد سلیمی (۱۰ سال)

محمود میتهای سنگین برای کارگران مبارز بندر خمینی، سه جرم اعترافات حق طلبانه شان، در حالیکه کودتاچیان و ساواکی ها براحتی از زندانها آزاد میشوند نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی چه دشمنی آشتی ناپذیری با کارگران دارد و تا چه حد از مبارزات کارگران بیخوش می افتد. اما محکوم شدن این کارگران مبارز کوچکترین خللی در مبارزات کارگران بندر و کارگران سراسر ایران برای بهبود شرایط کار و سایر خواسته های برحقشان ایجاد نخواهد کرد. همانگونه که سرکوبهای وحشیانه و بگیر و ببندهای رژیم شاه نتوانست مانع از مبارزات کارگران و زحمت کشان شود. کارگران و زحمتکشان باید این خیر را که افشا کنند ما هیت فداکاری رژیم است در همه جا نقل کرده و مبارزات خود را بر علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ادامه دهند.

کارگران و زحمتکشان! رژیم جمهوری اسلامی می رود که آخربین آزادی های سابقمانند را که دستاورد قیام قهرمانانه خلق ما هستند سرکوب کرده و دیکتاتورن عربان خود را درست مثل دوران شاه برای بران خاکم گرداند و سرکوب و حشیانه کارگران و زحمتکشان و برقراری "قانون و انضباط" سرمایه داری را به حدکمال خود برساند.

در ماه شهریور تاریخ ۱۴ خرداد، شاه نژده نفر از کارگران مبارز بندر خمینی که چندی پیش در جریان مبارزات حق طلبانه خود مورد ضرب و شتم با سداران سرمایه قرار گرفته و دستگیر شده بودند در یک بیدادگاه فاشیستی و مطابق روال معمول در محاکمهای چند دقیقه ای توسط اراکی جلا، حاکم شرع خوزستان و مزدور رژیم جمهوری اسلامی، به زندانهای طولانی مدت محکوم گشتند. ۱۰ نفر از آنها به حبس ابد و ۶ تن دیگر به زندانهای از ۵ تا ۱۰ سال محکوم شدند. اسامی این کارگران به این شرح میباشد:

- ۱- علیرضا جوجول (ابد) - ۲- یحیی بهمن (ابد)
- ۳- محمدرضا اسفندیاری (ابد) - ۴- محمدرضا داوودی (ابد) - ۵- خداداد کسری (ابد)

### انجمن اسلامی، این کانون جاسوسی، منحل باید کرد!

### کارگران ماشین سازی پارس در مقابل اخراج دسته جمعی خود مقاومت می کنند!

موج اخراجهای دسته جمعی کارگران در سراسر ایران همچنان ادامه دارد. رژیم فداکاری جمهوری اسلامی که تمام هم و غم خود را صرف بازسازی سیستم بیوسیده سرمایه داری وابسته کرده و برای تامین منافع ارجعایش از هیچگونه جابجایی روگردان نیست، این بار کارگران ماشین سازی پارس (اراک) را تخت فشار گذاشته و به بهانه "سود نرسیدن" کارخانه قصد تعطیل آنرا دارد.

طلبان کارگران و در صورت لزوم سرکوب آنها توسط اوباشان ویژه و رانش بود. بطور کلی تفرقه افکنی در میان کارگران و خنثی کردن مبارزاتشان هدف این ارگانهای حزبی بوده و هست. اما از آنجاکه ما هیت آشکار فداکاری این انجمنها خیلی زود برای کارگران روشن گردید و لذا موجب انفراد و انزوا آنها را غلبه کار خانات شده است، این سیاست عمدتاً با توسل به سرکوبگری عربان و ایجاد محیط رعب و وحشت دنبال میشود. در شرایط کنونی، دیگر در کمتر کارخانه ای و در میان کمتر کارگرانی، ما هیت فداکاری و فداکاریهای انجمنها، افشا نشده است. نمونه های متعددی وجود دارند که تنگروا نیز از بقیه در صفحه ۲۲

بقیه از صفحه ۱  
در کارخانجات، انجمنهای اسلامی خیلی سریع دایر شدند و حتی سمینارهایی از این انجمنها با شرکت مقامات بالادستی و حزبی نیز تشکیل دادند تا همانها همگی لازم الاجراست بشیردسیاستهای فداکاری خود در کارخانجات وجود آورند. آنچه که از ابتدا در دستور کار این ارگانها قرار گرفت، در مرحله نخست مبارزه بر علیه کارگران آگاه و مبارز بود که از طریق تعقیب، شناسایی و اخراج آنها دنبال میشد. در این رابطه کارگران کمونیست مورد بیشترین تهاجمها و آزارها قرار می گرفتند. مسئله ای که موازات این سیاست توسط انجمنهای اسلامی پیش برده میشد، منحرف کردن مبارزات حق -

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر





### به مقابله با اجرای قوانین ضدکارگری انضباطی برخیزیم!

گرفت که برطبق آن کارگران تنها در صورتی میتوانستند برای تا مین حداقل ما محتاج زندگی خودکارکننده که شنا سنا مه شان "پاک" باشد، یعنی نه تنها کوچکترین سابقه اعتراض و میسازیه ای نداشته باشد، بلکه تا سرحد مرگ برای پرشدن هرچه بیشتر جیب سرما به داران کار زکرده باشد، بعد از سرنگون شدن رژیم شاه بدست توده های خلق، رژیم جمهوری اسلامی که وظیفه با ساری و تقویت سیستم سرما به داری وابسته ایران را بعهده گرفته بود، از ابتدا در مدد پداده کردن مقرراتی برای تحمیل نظم سرما به داران به کارگران، نبود، اما با لاف رفتن آگاهان کارگران و مقامات و نشان در مقابل فشار دولت، اجازت اجرای کامل اینگونه مقررات انضباطی را نداد، تا اینکه بدنبال سیاستهای ضد مردمی رژیم که هدفشان سرکوب مبارزات انقلابی توده ها و برقرار کردن حاکمیت قاطع سرما به داری بود، سال جدید سال "فانون" (البته فانون سرما به داری!) نامیده میشود و در پی آن مقامات رژیم در کارخانه - جات تلاش بسیار برای اجرای "آئین نامه انضباطی" با اهداف مذکور، آغاز مینمایند.

بدین ترتیب افزایش استعما رکا رگران و سرکوب مبارزات حق طلبانه آنها به شدیدترین صورت در دستور کار رژیم قرار میگردد. این مسئله در شرایطی است که اکثریت قریب با تفهات قدرت رژیم در دست دارودسته ارتجاعی حیزب جمهوری اسلامی قرار میگردد و این جناح ضد انقلاب بمناسبت سیاست حاکم بر رژیم، محسور فعالیتهای فذخلقی خود را تا بودی آزادیهای دمکراتیک قرار میدهد. طبیعی است که بخش بزرگی از این کوششهای رژیم متوجه طبقه کارگر میشود، در کارخانه ها انجمنهای اسلامی و شوراهای قلابی که چاقهای سرکوب کارگران هستند، تقویت میشوند و با سدا ران و بسجبه ها وارد بسیاری از کارخانه ها شده و جوخه فغان و وحشت ایجاد میکنند. . . و در چنین شرایطی رژیم سعی در پیاپی ده کردن "آئین نامه" میکند، در کارخانه "ساپا" غیبت بیش از ۳ روز کارگران را اخراج اعلام کرده و بر طبق مقررات جدید ۲۷ کارگر را اخراج میکنند، کارگران همگی میبایست کارت برسینه بزنند تا حق خارج شدن از قسمتهای خود را نداشته باشند، آنها میبایست حتی برای رفتن به دستشویی اجازت بگیرند! و در کارخانه کفش - ملی که این مقررات پیاپی ده شده است، کارگران با شماره؟! به دستشویی میروند، کارفرمایان با استفاده از آئین نامه مذکور دست به اخراج کارگران مبارز و کمونیست زده اند، ساعات کار کارگران کفش ملی که در اثر مبارزاتشان به ۴۰ ساعت

اخیرا مدتی است که زمه اجرای طرحی تحت عنوان "آئین نامه انضباطی" از جانب رژیم در کارخانه ها پیچیده و در چند کارخانه هم مرحله اجرا رسیده است، اما عکس العمل کارگران در همه جا مخالفت و اعتراض شدید بوده بطوریکه اغلب توانسته اند جلوی پیاپی شدن آنرا بگیرند. برای آنکه به اهداف واقعی دولت از راه این آئین نامه ضدکارگری بیشتر بیبریم و راه مقابله با آنرا روشنتر کنیم، لازمست که این مسئله را مورد بررسی همه جا نبره قرار دهیم:

مبدأ نیم که رژیمهای سرما به داری بدنبال کسب سود هرچه بیشتر برای طبقه سرما به دار، به شیوه های مختلفی متوسل میشوند تا بسا وارد کردن فشار بیشتر بر کارگران و زحمتکشان به این هدف استعما رگران را خود برینند، چرا که منبع سود سرما به داران بسویله کار انضباطی کارگران تا مین میشود، (یعنی هر چه دستمزد کارگران پائین تر باشد برعکس کار بیشتر انجام دهند، استعما رشان شدیدتر شده و سود کلان تری را بجیب سرما به داران انگل سرازیر مینمایند، ایس مسئله بخصوص در شرایطی که بحران اقتصادی ذاتی جوامع سرما به داری حاد میشود (نظیر شدید شدن این بحران در چند سال اخیر در ایران) موجب پائین آمدن سود سرما به داران میگردد و از اینرو دولت سرما به داری تلاش بیشتری میکند تا این کاهش سود سرما به داران را از طریق تنها راه ممکن یعنی وارد آوردن فشار بیشتر بر دوش کارگران و زحمتکشان و افزایش فقر و فلاکت آنها، جبران نماید، این شیوه تمام می رژیمهای سرما به داری است.

بدین ترتیب روشن میشود که چرا رژیم خیانته کارخانه های نیز بخصوص در سالهای آخر حیات ننگینش سعی میکند با تحمیل مقررات انضباطی شدید به کارگران و وارد شدن آتیه به کار بیشتر برای سرما به داران، خود را از چنگ بحران اقتصادی نجات دهد، رژیم شاه سیاستهای ضد کارگری خود را تا آنجا پیش برد که در زمان وزارت "آزمون" تصمیم به اجرای طرح "شنا سنا مه کارگری"

در واقع مدت زمانیکه کارگر کار میکند دو بخش تقسیم میشود: یک بخش کار رست که برای دریا فت دستمزد تا مین حداقل نیا زدهای زندگیش لازمست که با توجه به سطح پائین زندگی کارگران ایران، در صدگمی از ساعات کار کارگر را تشکیل میدهد (مثلا ۲ ساعت از ۸ ساعت کار روزانه) و بخش دوم کار رست که کارگر عملاً بصورت مجانی برای سرما به داران انجام میدهد (۶ ساعت دیگر) و این بخشی است که منبع سود سرما به داران میباشد.

کارگران هوادار سازمان در اراک طی چند اعلامیه این حرکت ضدکارگری رژیم را افشا کرده و کارگران را به اتحاد و یکپارچگی و مقاومت در برابر توطئه های رژیم دعوت کرده اند. در زیر بخشهای از این اعلامیه ها را با اندکی تغییر میخوانید: "بیش از یک ماه است که از مبارزات کارگران ماشین سازی پارس علیه توطئه بستن کارخانه میگردد، رژیم جمهوری اسلامی وقتی که میبیند کارخانه سودزایی گذشته را ندارد، بدون کوچکترین توجه به وضع زندگی کارگران و خانواده ها - نشان اقدام به بستن کارخانه کرده است. در حقیقت از رژیمی که مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت ستار و حشیا نه سرکوب کرده و نیروهای کمونیست و انقلابی را به زندان و شکنجه و اعدام محکوم میکند، جز این نیز نمیتوان انتظار داشت. ما در همین شهر خودمان - اراک - تا حد سرکوب مبارزات کارگران آلومینیوم سازی توسط سپاه پاسداران و اخراج کارگران مبارز بوده ایم. و اکنون نیز شاهد هستیم که چگونه برای سرکوب مبارزات کارگران ماشین سازی پارس، با مزدوران ژاندارمری میفرستند و با از طرف وزارت کار و سازمان گسترش و مداخله توطئه و سنگ اندازی صورت میگردد. اکنون رژیم سعی میکند با بکارگیری توطئه های مختلف نظیر باز خرید سابقه کار و انجام تبلیغات مسموم در بین کارگران تفرقه بیندازد.

از طرف دیگر انجمن اسلامی ماشین سازی به همراه کارخانهای و اکثریتی، برای جلوگیری از بوجود آمدن شورای واقعی کارگران زیر نام "هیئت موسس شورا" شروع به جمع آوری امضا برای تشکیل شورای فرمانی کرده اند و قصد دارند با سنا مه شورای اسلامی را که با کمک نوکران رژیونیست خود تهیه کرده اند به تأیید هیئت وزیران نبرند. کارگران آگاه و مبارز ماشین سازی! در شرایطی که رژیم قصد بستن کارخانه را داشته و جاسوسهای انجمن اسلامی و رژیونیستهای خائن قصد دارند به اتحاد مبارزات کارگران لطمه بزنند، این وظیفه ما ست که با برپا سازی جلسات بحث و مجمع عمومی، ما هیت واقعی توطئه ها را برای کارگران افشا کنیم و ضرورت تشکیل شورائی با شرکت نمایندگان واقعی کارگران جهت پیشبرد مبارزات برحقمان را به گوش دیگران برسانیم!

بیش بسوی تشکیل شورای واقعی کارگری! تا بودیا توطئه های رژیم بر علیه کارگران! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

## شوراهای قلابی منحل باید گردد! شوراهای واقعی ایجاد باید گردد!





هفته رسیده بود، بمیزان ۴۴ و حتی ۴۸ ساعت افزایش میابد.

بنا بر این مبنیبنیم که طرح آئین نامه انضباطی رژیم چگونه به پیمانال کردن دستاورد های مبارزاتی کارگران میپردازد و دستاورد این اول کار است. اگر مقاومت و مبارزه متدانه کارگران رو به ضعف بیرون بی شک است. حتی مقررات وحشیانه تری بشفع سرما به داران و بر ضد کارگران، از جانب رژیم خواهد بود.

### اهداف مشخص رژیم از پیاده کردن آئین نامه انضباطی چیست؟

علاوه بر اهداف عمومی فوق الذکر و منظور تحقق این اهداف، رژیم از اجرای آئین نامه انضباطی، یکسری هدفهای نزدیکتر و مشخصتر دارد که لازم است مورد بررسی قرار گیرند:

۱- افزایش تولید از طریق استثماری بیشتر کارگران: میدانیم که بحران شدید اقتصادی کنونی جا همه دوراه حل بیشترند، یکی راه حل انقلابی آن که با حاکمیت کارگران و زحمتکشان و سرقراری جمهوری دمکراتیک خلق آغاز میشود. این راه بحران را بشفع خلق و بزبان طبقات استثماری راجل می نماید. راهی که به برقراری سوسیالیسم و سپس نابودی طبقات منجر میگردد، اما راه دوم راه حل سرما به داران است که برطبق آن بحران اقتصاد بقیمت پائین آمدن سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و افزایش سود سرما به داران برای یکدوره محدود فروکش میکند. این همان راه حلی است که حکومتهای سرما به داری و از جمله رژیم جمهوری اسلامی در جستجوی آنند و به همین منظور است که از راههای گوناگون سعی دارند تولید و سود سرما به داران را بقیمت فقر و فلاکت و استثماری بیشتر کارگران، تا مین نمایند. رژیم مدتها تحت عنوان اینکه گویا با آمریکا در حال مبارزه است و در محاصره اقتصادی قرار دارد، کارگران را به سکوت در مقابل چپا و لگربهای سرما به داران و کسار و تولید بیشتر دعوت میکرد. سپس مدتی هم به بهانه جنگ ارتجاعی که برآه انداخته بود و بیساری رویزونیستهای خاش توده ای و اکثریتستی، کارگران را به افزایش تولید و تن دادن به شرایط دشوار کار فرما میخواند. تا اینکه کارگران به کمک افشاگریهای کمونیستهای بیگمیرودر تجربه زندگی خود به پوچ بودن عوام فریبیهای رژیم و شوکرانش در مورد جنگ پی برده و دیگر زیر با زیمی رفتند. به این دلیل است که رژیم سرما به داران در صدد برآمدن با سرکوبگری هر چه بیشتر به اجرای مقررات با مصطلاح انضباطی بپردازد.

برطبق این مقررات، اولاً ساعات کار کارگران را تا آنجا که بتوانند بيقول معروف تیغشان ببرد، افزایش میدهند. نظیر آنچه که در کارخانه کفش ملی انجام دادند و در پی آنند تا ساعات کار را حتی از ۴۴ ساعتی که "قانون" خودشان تعیین کرده است، بالاتر ببرند. تا بنیاً از طریق جریمه و پاداش مقدار رضایعات کار را به حداقل ممکن برسانند و کارگران را وادار سازند تا به امید جریمه نشدن و دریافت چند درغای پاداش، با تمام قوا و تا سرحد توانشان کار نمایند. تا لاشا با محدود کردن اوقات استراحت کارگران و حتی کنترل دستشویی رفتن آنها، بطول ساعات کار بیا فزایند تا تولید با لایر رود. بطور کلی رژیم در صدد است تا با اجرای این آئین نامه آنچنان نظم بورژواشی را در کارخانه نجات فرام سازد تا حداکثر سود را بقیمت حداکثر فشار وارد بر کارگران تا مین نماید.

۲- جلوگیری از رشد آگاهی و تشکل کارگران: هدف دیگری که آئین نامه "انضباطی" دنبال میکند، ایجاد محیط خفقان و سرکوب در کارخانه است تا بدینوسیله مانع آگاهی کارگران گردد. این مسئله بمعنای بیکی از قویترین حربه های ضد کارگری رژیمهای سرما به داری بکار میرود. بیا دنا ریم که چگونه رژیم شاه با ایجاد ساواک و ادار ه حفا ظلت در کارخانه ها، آنچنان رعب و وحشتی ایجاد کرده بود که کارگران بترسند و مبهتوانستند حتی با یکدیگر درددل کنندند. طبیعی است در چنین شرایطی نه جایی برای کسب آگاهی باقی میماند و نه کارگران میتوانند حرکت متحدانه و متشکل انجام دهندند. آری سرما به داران در طول دهها سال که از مبارزات طبقه کارگر جهان میگذرد، بخوبی دریا فته اند که رژیم بورژوازی کارگران در اتحادشان است و اینهم میسر نمیشود مگر آنکه کارگران بتوانند دور هم جمع شده آزادانه نظرات خود را مطرح ساخته و از طریق کمونیستها به آگاهی طبقاتی خویش مسلح گردند. از اینروست که سرما به داران و وابستگان نشان آنقدر از آگاهی کارگران و آگاهی دهندگان نشان بترسند کمونیستها میترسند، که جن از بسبب الله!

رژیم جمهوری اسلامی هم تلاش دارد تا در صدد رژیم شاه با اجرای مقررات شدید خفقان آمیز، به بنیانه "نظم و قانون" جلوی هر فریاد حق طلبانه و افشاگرانه را گرفته و زمینه را برای استثماری هر چه بیشتر کارگران فراهم سازد. مزدوران رژیم در کارخانه ها هر کارگر آگاه و مبارزی را با استغناء از آئین نامه انضباطی و اخراج میکنند. آنها شورا های واقعی کارگران را متلاشی کرده و نمایندگان انقلابی را دستگیر مینمایند. همانگونه که در کارخانه ساپس، ۲۷ کارگر را اخراج کردند و بعد از مقاومت انقلابی کارگران که منجر به بیرون انداختن مدیر عامل کارخانه شد، با یورش پاداران ۴۴ کارگر مبارز را دستگیر نمودند.

رژیم مبدانند که آگاهی و قدرت کارگران

در تشکیلاتشان جلوه گرمیشود و از اینرو میکوشد تا جلوسوی ایچا دشواری های واقعی کارگران را گرفته و کارگران را در پراکنندگی و نا آشنایی قرار دهد. یکی از مهمترین حربه های رژیم برای سرکوب مبارزات کارگران و واداشتن آنها به قبول هرگونه نظردلخواه سرما به داران بحربه اخراج است. چرا که با توجه به گرانگاری بیسابقه جابجا مع که روز بروز بیشتر زحمتکشان را در آستانه فلاکت و نا بودی قرار میدهد، کارگران شاغل میداند که در صورت اخراج، به مصروف میلیونها بیگانه روگردان خواهند بود و آنگاه حتی همین لقمه نان چیز را هم نخواهند توانست برای زن و فرزندانشان تهیه کنندند. رژیم هم با سوء استفاده از این وضعیت و با تکیه بر ارتش میلیونی بیگانه ران که همواره حاضرند برای خلاصی از گرسنگی با مزد کم و تحت شرایط دشوار کار کنند، تشنه راهی که پیش پای کارگران قرار میدهد، تن دادن به شرایط وحشیانه استثماریان میباشد رژیم با ممانعت از رشد آگاهی کارگران سعی دارد که چنین وانمود سازد که کارگران شاغل برای نجات از گرسنگی و تشنه راه دیگری ندارند. در صورتیکه همانطور که خواهم دید بنده تشنه چنین نیست بلکه راه حل انقلابی برای نجات تمامی کارگران و زحمتکشان وجود دارد.

### ۳- تشدید سرکوبگری از طریق تقویت ارگانهای حزبی:

حزب جمهوری اسلامی دارد اما پیاده کردن سیاست غصبی تمام قدرت دولتی، بیرون راندن شرکای لیبرالانش از قدرت، در صدد است تا حاکمیت ارتجاعی خود را در کارخانه نجات نیز تقویت نماید. انجمنهای اسلامی این چماقهای دا رودسته حزبی در کارخانه نجات، با اجرای آئین نامه "انضباطی" تقویت میشوند و تشنه شورا های دولتی و وابسته به رژیم قا در خواست بوده با عمال ضد کارگری خود را میدهندند. فالانژها، بسیجیها و پاسداران محنه کارخانه را عرصه تاخت و تا خود قرار داده و هرگونه اعتراض و مبارزه کارگران با اخراج، دستگیری و ضرب و شتم توأم خواهد کردید. بطور کلی رژیم قصد دارد از طریق آئین نامه مذکور نظم بورژواشی را بر کارخانه ها حاکم گرداند و با رایج کردن اطاعت کارگران از مدیران دولتی، شورای قضایی، انجمن اسلامی و سرپرستان و فورمنها، بسبب سرکوب مبارزات آنها بپردازد.

سرما به داران میداند که اگر رژیم بورژوازی طبقه کارگر در تشکیلات و سازماندهی میابد، بقاء خودش نیز در گرو تشکل و سازماندهی نیروهای ضدمردمی است. یعنی اگر کارگران برای رسیدن به خواستهای صنفی خود نظیر افزایش دستمزد، محدود شدن ساعات کار و... به شورا های واقعی نیاز دارند، سرما به داران حاکم نیز برای خنثی کردن این مبارزات کارگران به شورا های قضایی و انجمنهای اسلامی نیاز





دارند. اگر طبقه کارگر برای نابودی طبقه سرمایه‌دار روبرو قرار می‌گیرد، کمیت توده‌های زحمتکش به ستاد درزمنده خود یعنی حزب کمونیست احتیاج دارند. رژیم جمهوری اسلامی نیز برای سرکوب انقلاب و تثبیت حاکمیت خدا نقلایی خود به دستگا‌های عربی و طویل دولتی، ارتش، پاسداران، زندان و شکنجه و... احتیاج دارد. به همین خاطر است که رژیم از یک طرف جلوی آگاهی و تشکل کارگران را سد می‌کند و از طرف دیگر تشکلات غذاکاری خود نظیر انجمن‌های اسلامی، شوراهای دولتی، هسته‌های مقاومت، بسیجها و... را در کارخانه‌ها تقویت می‌نماید. این هدف با اجرای مقررات به اصطلاح "انضباطی" به نحو مطلوب برای رژیم، پیشبرده می‌شود. بطور کلی رژیم از اجرای آئین نامه "انضباطی" دو هدف را دنبال میکند: یکی تشدید استبداد رژیم کارگران و افزایش سود سرمایه‌داران از طریق فشار آوردن بر کارگران و دیگری نابودی آزادهای دمکراتیک در کارخانه‌ها است. سیاست اخیر که با ممانعت از ایجاد شوراهای واقعی و برقراری جو خفقان و سرکوب کارگران در کارخانه‌ها، دنبال می‌شود، سیاست اصلی رژیم در این دوره از حیثات تنگنیش می‌باشد. این سیاست که در عرصه جامعه بوسیله‌ها رودسته حزب جمهوری اسلامی دنبال می‌شود، اخیراً اشکال جدیدی در روشها نثری خود گرفته است. یکی از نمونه‌های برجسته آن، کشتن اخیر کارگران بی دفاع شهر صنعتی قزوین بدست پاسداران سرمایه‌دار، می‌باشد. این جنایت که منجر به شهادت چند کارگر و زخمی و اسیر شدن دهها کارگر مبارز گردید، به خاطر خفه کردن فریاد اعتراضی کارگران بر علیه سرکوبگریهای رژیم انجام گرفت. بنا بر این رژیم از بیرون توسط اجرای مقررات تشدید سرکوبگریها، سعی دارد تا مبارزات کارگران و جنبه‌ها انقلاب را خفه سازد. اما آیا موفق خواهد شد؟ این سئوالی است که مبارزات کارگران و سایر توده‌های انقلابی به آن پاسخ خواهد داد.

### متاقوت کارگران در مقابل آئین نامه

#### "انضباطی" و راه غلبه بر سرکوبگریهای رژیم

همانطور که گفتیم رژیم برای پیاپی کردن آئین نامه "انضباطی"، ابتدا سعی کرد آنرا در چند کارخانه پیاپی ده کند، اما عملاً کارگران تشدید بود. بطوریکه در کارخانه‌ها، مدیر کارگران در مخالفت با اجرای این طرح، مدیر عامل مزدورشان را که در نوکری سرمایه‌داران با اغتیا رفته بود؛ "کاری کرده" مکه هیچکس

جرات نکند مدایش در پیاپی ده!، به برهنه از کارخانه بیرون انداختند!! بطوریکه رژیم نیز جرات بازگرداندن او را نکرده و جانشینانش دیگر کلمه‌ای هم در باره آئین نامه "انضباطی" به میان نیاوردند. در کارخانه‌های جنرال موتورز و لیلاند نیز رژیم اینبار با احتیاط در صد پیاپی ده کردن آئین نامه غذاکاری برآمد. بدین منظور آئین نامه را به نظر خواهی کارگران گذاشتند. اما کارگران با ابراز مخالفت تشدید خود، مشت محکمی بر دهان مزدوران رژیم کوبیده و اجرای طرح را معاق می‌کنند.

تنها کارخانه بزرگی که این طرح را بمورد اجرا گذاشته است، تفش ملی می‌باشد. در اینجا رژیم از طرفی با استفاده از سرکوب مبارزات قهرمانان کارگران برای "سود ویژه" و کاهش جو خفقان بر محیط کارخانه، و از طرف دیگر با تهدید کارگران به اخراج و بی‌کاری که در مورد کارگران مبارز کمونیست بمورد اجرا هم گذاشته شد، توانست آئین نامه انضباطی را آنهم بشکل محدود و در شراطی پیاپی ده کند که کارگران ناراضی و معترض بوده و در مدخل آن می‌باشند. این آئین نامه حتی در تمامی کارخانه‌ها کفش ملی پیاپی نشده است. مثلاً کارگران یکی از ۲۴ کارخانه این گروه صنعتی، که کارکنان ۲۰ ساعت در هفته کار می‌کنند.

بدین ترتیب مشیبتیم رژیم در این کارخانه‌ها پیاپی ده برای اجرای به اصطلاح قاطعانه آئین نامه "انضباطی"، با مقاومت و اعتراض شدید کارگران مواجه می‌گردد. این مسئله زمینه دشواری را جهت پیشبرد این سیاست تشدید کارگری، در مقابل جمهوری اسلامی فراهم کرد. کارگران نشان دادند که حاضر به تحمل بیش از این با بحران اقتصادی جامعه نیستند و بر علیه آنها جهاد رودسته حزبی حاکم، به معنای پیاپی ده خود بخود مبارزات کارگران را باید در نظر داشت. اینست که تشویق و تشویق زمانی مبارزات پیاپی ده کارگران که همچون جویبارهای بارانی بر سران آمدن رژیم سرمایه‌داری و استبداد بران تبدیل خواهد شد. که آنگاه او اتحاد کارگران خود را در تشکلات بولادین و واقعیشا جلوه‌گر سازد.

کنت زدن مزدوران سرمایه‌بیرون انداختن مدیران دولتی از کارخانه، اگرچه نشانه‌گر کینه طبقاتی کارگران بوده و حرکتی انقلابی است اما بهیچوجه کافی نیست. چرا که تا زمانی که در مقابل توطئه‌های ارتجاع به سلاح طبقاتی مبارز نیستی اتحاد و تشکلات مجبزنشیم، اگر هم بتوانیم سرمایه‌داران را از در بیرون بیاندازیم از پنجره وارد خواهد شد! اگر بتوانیم عوام فریبیهای آنها را افشاء کنیم، به تفرقه اندازی خواهد پرداخت و اگر بتوانیم این توطئه را هم خنثی نکنیم به سرکوبگریها متوسل خواهد شد.

شد و با لافز به هر طریقی که شده در صفوف پراکنده ما ن رخنه خواهد کرد.

اما با انعکاس اغوشوراهای واقعی خود را بر پیاپی ده و تمام قوا از آن حمایت نمائیم، اگر مبارزات خود را با مبارزات کارگران کارخانه‌ها و دیگرها همگام و یکپارچه سازیم و با لافز اغوشوراهای مبارزین و محکمترین کارگران و روشنفکران کمونیست، ایجاد نمائیم، آنگاه میتوانیم مطمئن باشیم که در مقابل دستگا‌های رنگارنگ سرمایه‌داران برای سرکوب ما، به سلاح طبقاتی خود دست یافتیم و پیروز خواهیم نزدیک است. اما روشن است که برای رسیدن به پیروزی راهی دشوار، طولانی و پرهیج و خمی در پیش داریم که در شراط کنونی، مبارزه برای ایجاد شوراهای واقعی، از طریق افشا و تحلیل شوراهای قلابی و انجمنهای اسلامی، نخستین گام مبارزین را خواهد بود. پس بکوشیم تا با افزایش آگاهی طبقاتی خود، به افشای رژیم سرمایه‌داری حاکم و قوا نشین غذاکاری نظیر آئین نامه "انضباطی" پردازد و آنگاه با سپر رفقایمان را از تقاضای دهیم. بکوشیم تا راه انقلابی مقابل ما بحران اقتصادی - اجتماعی کنونی را با تشکل هر چه بیشتر خودمان به پیش ببریم.

تا بود با دقوا نشین ارتجاعی و فدکا رگسری "انضباطی" مبارزین!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر ایران!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

### اعتصاب در کارخانه ارج!

اعتصاب یکپارچه کارگران کارخانه ارج به خاطر اعتراض به سرکوب شدن با اصطلاح "انضباطی" پیاپی ده غیرقانونی! سال ۵۹ یکبار دیگر جنبه تشکلات را جهت رسیدن به خواسته‌ها در میان کارگران مطرح ساخت. روز شنبه ۱۹ خرداد از طرف مدیریت کارخانه اطلاعیه‌ای صادر می‌شود مبنی بر اینکه از تاریخ ۲۱ خرداد اولین قسط "انضباطی" ها "کسر خواهد شد. لازم به تذکر است که این "انضباطی" ها " شامل کسر ۱۵ روز عیدی و کسر ۳۶۰ تومان و ام تا بستن و... می‌گردد. پس از نصب اطلاعیه، ابتدا کارگران خط کولروبخاری و سپس خط پخت دست‌آزاد را رکنیده و پس از چند دقیقه، اعتصاب سراسری کارخانه را فرا گرفت. کارگران مبارز با زور مدبرعامل شرکت را جهت آدای توفیح به میان کارگران آوردند. این مزدور همه تقدمات را به گردن دولت انداخته و گریبان خود را از دست کارگران رها کرد. کارگران اعتصابی اعلام کردند تا حضور نماینده دولت برای جابجایی به اعتصاب خود ادامه می‌دهند. اما هنگامیکه بقیه در صفحه ۲۲



● معرفی کتاب کمیسر ● نویسنده: مهدی حسین

# بلشویک وار باید رزمید!

مشهدی بیگ در جریان این مبارزه، اندک اندک به صورت یک انقلابی حرفه‌ای کمونیست درمی آید، و تاجا رب انقلابی را طی عمل انقلابی فرا میگیرد و در عرصه عمل، در زندان و در آزادی، خود را آبدیده میکند.

مراحل مبارزه طبقاتی نشان دادند که جز چا کری بورژوازی را هی بر نمی‌گزینند، مفا و مسست نمودند، و اینچنین مبارزات کارگران و زحمتکشان را به پیروزی رساندند.  
کتاب از فصلی آغاز میشود که "عزیز بیگ"

● کتاب کمیسر تصاویری متعدد از کار کمونیستی مشهدی بیگ و رهبران طراز اول بلشویک با کسو نظیر شائومیان و مبارزه با بورژوازی و چاکران نشان داده می‌دهد و یکبار دیگر بصورت داور لنین را که میگفت بدون تصفیه اپورتونیستها از صفوف مان قادر به پیروزی نبودیم اثبات میکند.

مشهدی بیگ پس از تحصیلات به باکو باز میگردد و به عنوان یک انقلابی حرفه‌ای قدم در یک عرصه وسیع تر مبارزه می‌نهد، در این زمان با کودچا رتب و تاجا رب انقلابی است:  
"۱۰۰۰ او هر با رکه به کوچه میرفت، نظا هرات مردم و تبلیغات انقلابیون را دیده و با خبرهای دست اول به خانه بر میگشت، مخصوصا این روزها یعنی در ماه دسامبر ۱۹۰۴ که با کوشا هدر کسات اعتراضی وسیعی بود. این نظا هرات و اعتصابات در سراسر روسیه طنین افکنده بود، در این روزها اعتصاب عمومی کارگران معادن باکویا شکست یافتن سرما نه‌دادن به پیروزی کامل رسیده بود، حکومت فدا انقلابی حاکم که هر روزها هدر شد روحیات انقلابی توده‌ها بود، برای حفاظت "امنیت" شهرها نیروهای نظامی را به غیابان - ها آورده بود" (صفحه ۷)



کارگران باکویا، مشهدی، به جرم قتل یک فرماندار نظامی به ۲۵ سال تبعید در سبیری محکوم میگردد و در آنجا به قتل میرسد. این فصل می - گوشت تصویری از شدت استبداد در روسیه تزاری و اولین تاثیراتی را که چنین محیطی طبیعی تاجا رب مستقیم، بر روی "مشهدی" مینهد بیان کند. مشهدی بیگ با تلاش پرا زرنج و محرومیت مادرش سلیمنا زبوروش میباید برای تحصیل به پتروگراد می‌رود. در اینجا است که او در جریان شرکت در مبارزات دانشجویی، پیش از پیش با انقلاب پیوند میباید و با کسب آگای هی های انقلابی و مبارزه با حکومت مطلقه آبدیده میشود در این سالها هماغهنگ با بیدار شدن توده های زحمتکش روس روحیات انقلابی در بین دانشجویان در حال گسترش است:

"دانشجویان آگای و مترقی به خواندن کتابهای مخفی قناعت نکرده و با تشکیل محافل، اندیشه های مارکسیستی را در میان دیگر رفقا - یشان اشاعه میدادند، آنها اجتماعات عمومی ترتیب داده و با دادن شعارهای تهبیجی و خواندن سرودهای انقلابی، مبارزه با حکومت مطلقه، شورمبارزاتی و تبلیغات افشاگرانه را به میان توده ها و به کوچه و با زا ر میبردند.

مشهدی عزیز بیگ یکی از این دانشجو - یان انقلابی و آگای بود". (صفحه ۱۸)

مبارزات انقلابی کارگران جهان بویژه از آن زمان که با سوسیالیسم علمی به عنوان مشعل فروزان راه‌های شان، درهم آمیخت، سرچشمه آفرینش عالی ترین آثار هنری بوده است. این آثار هر یک گوشه‌ای از مبارزات پر - فرا زونشیب کارگران در راه آزیبین بردن نظام استمرگانه سرما به داری و بوجود آوردن، دنیای نوین، دنیای سوسیالیسم و دیکتاتور ی پرولتاریا را ترسیم کرده و کوشیده اند تا زلال تصویر جزئیات این مبارزه به زبان هنر، با نشان دادن ملموس لحظات افتخار آفرین این نبرد تاریخی، با برجسته نمودن روحیات توده‌ها بیسی که در عرصه این مبارزه قهرمانی های بزرگ از خود نشان داده و با ترسیم سختی ها و مشقات و همچنین نمونه های ارزنده شکست نا پذیری نبرد پرولتاریا و زندگی و بیگانه قهرمانانی که از دل مبارزات دوران ساز طبقه کارگر سر بر آورده اند گنجینه ادبیات پرولتری را هر چه غنی تر سازند.

مبارزات انقلابی پرولتاریای روسیه راه طولانی آبدیده شدن آن تحت رهبری بلشویک ها، و جاساه های فرا موش نشدنی این نبرد که جز برجستهای از مبارزه پرولتاریای جهانی در راه استقرار سوسیالیسم بوده، همواره سرمنشأ آفرینش شکوهمندترین آثار هنری اعم از داستان، شعر، نقاشی، موسیقی و... گشته است و بویژه در این میان آثار آری که به زندگی و مبارزات رهبران بلشویک طبقه کارگر پرداخته از زیبا ترین نمونه ها به شمار می آید.

"کمیسر" داستانی است درباره "مشهدی بیگ عزیز بیگوف". شرح حال این بلشویک در دانشر قالمعارف بزرگ روس چنین است:

"مشهدی عزیز بیگ اوغلی عزیز بیگوف" (متولد: ۱۸۷۶، تیرباران: ۱۹۱۸) رهبر برجسته جنبش انقلابی آذربایجان در سال ۱۸۹۸ به حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه پیوست در سال ۱۹۰۴ سازمان مخفی بلشویکی با کوبه نام گوست را رهبری کرد.

در انقلاب ۱۹۰۵-۷ شرکت فعال داشت، پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، کمیسر استان و معاون کمیسر خلق در مورد اخلی بود، وی یکی از ۲۶ نفر بلشویک فعال با کوشی (مشهور به کمیسرها ی باکوف) بود که در شب ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۸ توسط تاجا و رگاران انگلیسی ویا کمک "اس - ارها" تیر - یازان شدند (۱) زندگی و مبارزات مشهدی عزیز - بیگوف که بر سترز مرد دلاوران کارگران روسیه رشد نمود، گویای رهبری سازش نا پذیر بلشویکها، این رهبران راستین پرولتاریاست و نشان میدهد که آنها چگونه در این مبارزه، لحظه ای اندیشه سازش با سرما به داران ورژیم ارتجاعی را به خود راه ندادند و با استکامی آهنگین در برابر سازنکاران و خا شنینی چون "اس - ارها" و "منشویکها" که بندریج و بویژه درخا دتر بیسن

(۱) - به نقل از مقدمه کتاب



منشویکیا و... میگویند روحیات ما زش کارانه را بین کارگران رواج دهند. مبلغ منشویک گفته های عزیزبیگوف را "بگ مشت خیالات واهی و بوج و وعده های بی سروته" میخواندند او می تازد که چرا منافع کنونی کارگران را در نظر نگرفته و "مطالبات قابل قبول" را پیش نمی کشد، و متقابلاً تمام تلاش مشهدی بیگ در جهت طرد این خائنین است. در اینجا به طور ملموس مواجها عملکرد و نقش او قلمی اپورتونیستها و تلاشی که آنان در راه ما زش بین کارگران و سرما به داران می نمودند هستیم.

این مبارزه در سراسر کتاب با ادامه مییابد. پس از انقلاب اکتبر، از یکسوا حزب بوزروا شی ما و تاجی ها و دانشک ها به دسیسه چینی ضد انقلابی میبردند و با دست زدن به تحریکاتی علیه حکومت شوراهای در میان توده های عقب مانده طبقه کارگر، آنان را بر علیه حکومت شوراهای برمیانگیزند و از سوی دیگر اس - ارها و منشویکیا در این راه، نیروی خود را سازمان میدهند. بلشویکیا با شرایط ناگوار و روبرو هستند. قحطی، هجوم میریالیستها و توطئه های دشمنان داخلی همه و همه دست بدست هم داده و در راه سرنگونی دیکتاتور بوزروا تلاش می - نمایند. در چنین شرایطی است که کار کمونیستی مشهدی بیگ و رهبران طرز اول بلشویک با کسب نظیر شایسته، نقش غیر قابل انکار در استقرار حکومت شوروی ایفا می نماید. و یکبار دیگر در کتاب محبت داور لنین که میگفت - بدون تصفیه اپورتونیستها از صفوف ما ن قادریم پیروزی سوسیالیسم را بنیات نهاده شود. در فصل "هیجان" می خوانیم:

"در ماه ژوئیه ۱۹۱۸ قحطی شدیدی دریا کسو آغاز شد. وضعیت شوراهای هر لحظه سخت و سخت تر میشد. منشویک ها و اس - ارها به هم راه می پیرند و انقلابیون، به همه گونه عملی دست می بازیندند تا شاید بتوانند برپایه های اعتماد کارگران به دیکتاتور انقلابی خودشان ضربه بزنند. مبلغان آنها از آشفتگی استفاده کرده و همه جا، در معادن نفت، در کارخانه ها، در اجتماعات کارگران حفا ری و... نفوذ کرده و علت قحطی را در و طله اول به بی کفایتی بلشویکیا نسبت داده و آنها را به مبارزه با حکومت بلشویکی دعوت میکردند."

در همین زمان است که ما میبینیم مشهدی - بیگ چگونه با بدیش خطر مرگ، به میان توده های رفته و صرفاً با اتکا به منافع طبقاتی بوزروا و حقایق و شخصیت کمونیستی خوش موفق میشود چهره ضد انقلابی دوستان دروغین خلق را افشاء سازد و توده ها را در مبارزه میکشاند به سوی نابودی دشمنان بوزروا را رهبری کند. "کمیسر" صحنه های متعددی از کارخانه سازانسه

اتاقشان می رود، نمونه برجسته ای از این ضعف است. نویسنده قادر نیست صحنه ای موثرب و حقیقی از جنگونی تا شیرکذاری مشهدی بیگ بر روی دیگر داستانچوپان بها فریند و پیش از آنکه جنگونی اثرکذاری بر روی توده ها را ترسیم کند، صرفاً با جملاتی چند به گزارش آن میپردازد.

۴- نویسنده در حالیکه کمتر نمونه های برجسته مبارزات انقلابی کارگران و مشهدی بیگ

بلشویکی، مشهدی بیگ را پس از انقلاب اکتبر می نسیا ندونشان میدهد که چگونه و تحت مسئولیت کمیسر استان و معاون کمیسر خلق در امور داخلی در راه اسن مبارزه، در جنبه داخلی و در مبارزه علیه دشمنان خارجی، در راه پیروزی بوزروا را بر سر زواری لحظه ای نیاسود و بالاخره در جریان همین مبارزه در ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۸ توسط تاج و زگران انگلیسی ویا کسک

● در کتاب کمیسر بطور ملموس می بینیم که چگونه منشویکیا می نوشتند روحیات سازشکارانه را بین کارگران رواج دهند و بر مشهدی بیگ، بلشویک، میتا زند که جزای یک مشت خیالات واهی کارگران را فریب میدهند و فقط به مطالبات روزمره کارگران نمی پردازد!

● اگر بیگ بر سر بوزروا را بی ادبیات، رئالیسم سوسیالیستی نه به صرف مضمون آن بلکه در همین حال در ارتباط با جنگونی انعکاس مبارزات طبقه کارگر و توان تصویر ملموس این مبارزه سنجیده میشود، آنگاه ناگزیر ضعف های مهمی در "کمیسر" خواهیم یافت.

۱- برای پیشبرد داستان برمیگزیند، در عوض صفحات زیادی به مسائل فرعی که نقش در ساختن فضای مناسب این مبارزه ندارند، اختصاص میدهد. ۵- در بهره گیری از فرهنگ توده ای مردم آذربایجان، نویسنده موفق نیست و نتوانسته آن را با زندگی و مبارزات توده ها در رابطه با داستان، درهم آمیزد و بگونه ای ضمنی همچون کتابهای "امثال و حکم"، در داستان به ذکر این نمونه های فولکلوریک می پردازد، و استمرار بسمودی برای ثبت این موارد دارد.

۶- کتاب از نظر پیرووران تیب ها و انطباق و بزگی های آن با جنبه طبقاتی موجودیت و بیان روحیات شان و... دچار ضعف بوده و همچنین گاه شخصیت ها را در داستان وارد می - شوند که نه تائیری در گسترش آگاهی خواننده نسبت به زندگی طبقات و گروههای اجتماعی آن زمان دارند و نه قادرند تصویر عمیق از مناسبات واقعی این افراد در آن زمان و نقش - شان در مبارزه طبقاتی ارائه دهند، و نه در ترسیم موقعیت مشهدی بیگ در رابطه با زندگی و مبارزات او نقش مهمی ایفا میکنند (مانند پدر همسر مشهدی بیگ)

۷- فصل های جداگانه داستان، گاه روندی منسجم نمی یابند و وقایع پراکنده، بدون آنکه تاثیر متقابل آن در کل داستان سنجیده شوند، ذکر میگردند. به همین جهت، تصویری عمومی از جریان رشد و مبارزه مشهدی بیگ - قهرمان داستان - ارائه نمی گردد.

۸- آموزش های که از تحاریب انقلابی مشهدی بیگ در کار کمونیستی ذکر میگردد، گاه بسیار نازل است (فرضاً تجربه مشهدی بیگ در مورد آموختن اصول مخفی کاری) در حالیکه نویسنده قادر بوده خوبسازنده تر آموزش کار انقلابی مشهدی بیگ را در جریان برآیند مبارزاتی اش ترسیم کند.

"اس - ارها" تیرباران شد.

کتاب "کمیسر" هر چند بلحاظ اینکجه تمام و بی از مبارزه انقلابی بوزروا را بی روس و بی سزیه نبردند اما کارانه بلشویک بزرگ، مشهدی بیگ - عزیز بیگوف را با مضمون انقلابی ترسیم میکند، جزئی از گنجینه ادبیات رئالیسم سوسیالیستی محسوب میشود، لیکن اگر بیگ بر سر، بوزروا را نه به صرف مضمون آن بلکه در همین حال در ارتباط با جنگونی انعکاس مبارزات طبقه کارگر و پیشقراولان آگاهی سنجیده میشود، آنگاه ناگزیر به ضعف های "کمیسر" تا چند بر خواهد نمود. مهم ترین انتخابی که میتوان بر مشهدی حسین "نویسنده کتاب و آیداد است از این قرار است:

۱- نویسنده موفق نشده است در رابطه با تاریخ مبارزه بوزروا را به روشی برجسته - ترین نقاط اوگیری این مبارزه و شرکت قهرمان داستان، "مشهدی بیگ" را در این مبارزات تصویر کند. در کتاب هیچ اشاره ای به قیام ۱۹۰۵ تا سال ۱۹۰۷ نشده است و انقلاب فوریه و اکتبر و نقش مشهدی بیگ در این دوره های پراهمیت، جایی در کتاب نیافته است.

۲- کتاب بسیار رگزارش گونه از مبارزات بوزروا را با کمی بدو قادر نیست تصویری عمیق و تهییج کننده از این مبارزات ارائه داده و به نحو ملموسی وضعیت شخص این مبارزات را به زبان داستان، با آفرینی نماید، نویسنده توجهی به ترسیم هر چه گویا تر شرایط کار، روحیات کارگزارانی که از شدت فقر، به استقبال مرگ میروند نمی نماید.

۳- نویسنده در ترجمه وقایع مختلف و مشخص کردن روابط افراد، در بسیاری مواقع ناموفق است. فصل "وفا" زمانی که مشهدی بیگ برای برانگیختن دانشجویان آذربایجان به

## زنده باد سوسیالیسم!



# بیاد کارگر کمونیست رفیق احسان در چهلمین روز درگذشتش!

که با زهم در راه طبقه اش به انقلاب و سوسیالیسم خدمت نما بدو زمان ما را نیز از دستن بستن یک رفیق کارگر متعهد و آگاه، یک کمونیست بی تلاش و یک انسان کمونیست صمدی محروم نمود. او آنچنان شیفته ما و کمیسر کمونیسم بود که حتی در لحظات دردناک آخر زندگی و سر روی تخت بیمارستان و نازمانیکه بیماری رفیق را کاهلا نگرفته بود به منافع تاریخی طبقه کارگر فکر میکرد و از عشق سرشارش به سوسیالیسم و کمونیسم صحبت میکرد و با استقامتی بی نظیر بیماری در دنا کش را تحمل میکرد.

اینک چهل روز است که رفیق احسان، کارگر کمونیست و بیگانه را از دست داده ایم. ما خاطرهای هرگز فراموش نخواهد شد و یادش زنده و راهش پیوسته باد.

جاوید آریان او!

چهل روز از فقدان اندوهناک رفیق احسان، کارگر کمونیستی که در پی ۱۶ سال کارگری در کارخانه، به مثابه یک کارگر آگاه کمونیست و یک پرولترواقعی و نمونه مجسم اخلاق و رفتار کمونیستی در اشریک بیماری جانکاه از میان بیارن همزمش، از میان ما کمونیستها و از میان کارگران آگاه رفت، میگذرد.

رفیق احسان، یک کمونیست بیگانه، یک عضو صمدی و وفادار زمان ما و یک کارگر آگاه که به ایدئولوژی طبقه اش عشق میورزید بود که در جهت تحقق منافع آتی و آتی طبقه اش بطور خستگی ناپذیر تلاش میکرد و هیچ چیز حسی بیماری را نتوانست از رنج میداد. در مبارزه و وفاعلیتها ای آگاهان در میان کارگران نتوانست خللی وارد آورد. اما دریغ که بیماری علاج ناپذیر او به رفیق امان نداد

## اولین سالگرد ترور کمونیست شهید، رفیق اسفندیار قربانی



رفیق شهید اسفندیار قربانی از جوانان کمونیست فیروزکوه بود که در ۱۳ تیر ما سال گذشته بطرز وحشیانه ای بدست پاسداران سرمایه ترور شد.

رفیق اسفندیار در اسفندماه سال ۱۳۳۷ در خانواده زحمتکشی در فیروزکوه بدنیا آمد. شرایط زندگی خانواده خیلی زود او را با رنج ها و دردهای جامعه طبقه اش آشنا ساخت و رفیق از همان دوران دبیرستان به مبارزات توده ها پیوست. او از طریق بخش کتابهای انقلابی و هر امکان موجود دیگر به نشر افکار انقلابی در میان جوانان مبارز فیروزکوه میپرداخت. در سالهای ۵۶ و ۵۷ همزمان با اوچگیری جنبش توفنده خلقهای ایران با اینکه خدمت سربازی اش را انجام میداد، از هر امکانی برای مبارزه علیه امپریالیسم و مزدوران داخلی اش استفاده میکرد. پس از قیام پرشکوه بهمن ماه، رفیق با تعمیق دانشش در کمونیسم - لنینیسم اش قاطعانه با ریزیونیسیم خروشنجی و سه جانی مرزبندی نموده و با نفی انقلابی مثنی خرده بورژوازی چریکی و پذیرش مثنی سیاسی - تشکیلاتی بطور فعال در جهت رهائی زحمتکشان و در زیر پرچم سرخ کمونیسم مبارزه ادامه داد.

رفیق اسفندیار رودیگری را نش که پیشتر از آزادی "نا میده میشدند، بطور خستگی ناپذیر در با شیدن بذرا آگاهی در میان جوانان و توده های زحمتکش فیروزکوه، فعالیت میکردند. رفیق اسفندیار در جریان تظاهرات اعتراضی علیه حمله سراسری ارتجاع حاکم به دانشگاه سنگیر شاد ما در اشراف توده ها، در روز بعد از گذشت در روز ۱۳ تیر ۵۹، رفیق اسفندیار که با بارانش به با شیدن بذرا آگاهی در میان توده ها مشغول بود، با یورش وحشیانه پاسداران مواجه شده و در اثر گلوله مزدوران سرمایه زخمی گردید رفیق به مقر پاسداران ارتجاع در فیروزکوه منتقل شد و در حالیکه خون سرخش همسان جاری بود زیر ضربات مشت و لگدم کتد قنای تشنگی پاسداران قرار گرفت و سرانجام مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با شلیک به قلب برپیشش، به زندگسی کوتاه، اما پرافتخارش خاتمه دادند.

در اولین سالگرد شهادت سرخ رفیق اسفندیار قربانی، یادش را گرامی میداریم.

زندہ با آریان سرخ او و جاوید خاطرهای!

## فرار قهرمانان انقلابیون کمونیست از زندان سپاه زاهدان!

در طول ماههای گذشته با رها و ناپرهاس انقلابیون کمونیست موفق به فرار از زندانهای رژیم زاهدان شده اند.

در اوایل آذرماه یک انقلابی کمونیست موفق به فرار از زندان مواد مخدر سپاه زاهدان گردید. در واسط اسفندیک انقلابی کمونیست از درون شهرانی موفق به فرار شد.

در اوایل اردیبهشت مجدداً دو انقلابی کمونیست از زندان مواد مخدر سپاه با موفقیت فرار میکنند و سرانجام در نیمه شب ۱۵ خرداد، ۵ انقلابی کمونیست با طرح نقشه ای دقیق و حساب شده از زندان مرکزی سپاه پاسداران (ساواک سابق زاهدان) عا غانه عملیات فرار را با موفقیت به اجرا درمی آورند. آنها با فرار خود از زندانهای رژیم، زیونی ارتجاع را در سرکوب انقلاب بوضوح آشکارا زیندو بوج بسودن تدابیر امنیتی رژیم را در برابر ارا ده پولادین کمونیستها ثابت میکنند.

زندانی سیاسی بهمت توده ها از یاد بگذرد!  
سنگ و نفرت بر شکتجه گساران  
وزندانان رژیم جمهوری اسلامی!  
تشکیلات بلوچستان  
سازمان پیکار راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۶۰/۳/۲۵

طی فرار قهرمانانهای، ۵ نفر از انقلابیون کمونیست که در زندان مرکزی سپاه پاسداران زاهدان اسیر بودند در نیمه شب ۱۵ خرداد با طرح نقشه ای دقیق و حساب شده با دیگر پیگیری و قاطعیت خود را در ادامه مبارزه شان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی به اثبات رساندند.

تشکیلات بلوچستان سازمان پیکار، طبی اعلامیه ای ضمن افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و دشمنی ذاتی آن با انقلابیون کمونیست، به جوخقان و اراعی که رژیم در این منطقه ایجاد کرده و به دستگیری و سرکوب نیروهای کمونیست و انقلابی پرداخته، اشاره کرده و با تشریح مقاصد و اهداف انقلابی این فرزندان دلبر خلق، در درون زندانهای رژیم جمهوری اسلامی ادامه میدهد.

"کمونیستها هر چند زندان را عرصه دیگری از مبارزه انقلابی بر علیه دشمنان زحمتکشان تلقی نمینمایند، اما هیچگاه متن به اسارت و زندان ننمیدهند چرا که اگر رزش هر لحظه بودن درون توده ها و انا آگاهی انقلابی در میان آنها را خوب میدانند و از همین رویک لحظه نیز فکرهاش از چنگال ارتجاع و رفتن به میان توده ها را فراموش نمیکند و فرار از زندان ارتجاع را با تمام دشواریها پیش میپذیرند.



## کشتار و سرکوب خونین زندانیان بازداشتگاه موقت دادگستری

گزارشی که در زیر ملاحظه میکنید "مشتی" است نمونه خروار "زحمتکشان" را که این روزها بدست عمال رژیم و حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور و در هر گوشه و کناره آن انجام میشود. وقایع روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ خرداد را که در بازداشتگاه موقت دادگستری رخ داده و در آن زندان انقلابیون و وابسته به حزب جمهوری اسلامی به سرکوب مردم مبارز دستگیر شده پرداخته اند، بوسیله یکی از اهالی محل به پیکار گزارش شده است:

بازداشتگاه موقت دادگستری که در ضلع جنوب غربی ساختمان کاخ دادگستری قرار دارد و در ورودی ورودی غربی آن رویه پارک شهر است از قیام ۲۲ بهمن به بعد عملاً تعطیل بود. چندی قبل با سداران این زندان را بعنوان بازداشتگاه زندانیان مواد مخدر خودد فتر و مقر خاصی در خیابان شریعتی در نزدیکی پل روسی دارند و بخشی از زندان قصر را تحت اختیار دارند و اداره این بازداشتگاه را از انتظامات دادگستری (پلیس) گرفته و خود عمده دارند. در این اواخر جوانان مبارز را به این بازداشتگاه منتقل میکردند. این جوانان هر روز صبح برنا میورزش و سرود و شعرا خود را حدوداً از ساعت ۸ صبح به بعد که اطراف بازداشتگاه هلوغ است آغاز میکردند تا حدی که بتوانند توجه رهگذران را جلب کنند. روز ۲۵/۳/۱۳۶۰ سروصدای زندانیان آنقدر بلند بود که کارکنان قسمتهای شمالی ساختمان بوضوح صدای آنها را می شنیدند و روز ۲۶/۳/۱۳۶۰ طبق معمول برنا میورزش آغاز شد و این بار بلند - شرو را ترا زدند تا قبل. در این هنگام تعدادی حزب اللهی مزدور با فاه و آدمو توری حزب - الله با بلندگو در برابر درب شمالی دادگستری اجتماع کرده و با شعارهای مرگ بر بنی صدر - درود بر پهلوی، موسوی، راجا و فرستخانی - قسمت شمالی ساختمان دادگستری را هلوغ کردند و خواهان دیدار با دادستان کل شدند و زمانی که توجه همگی افراد درون ساختمان دادگستری به ضلع شمالی ساختمان معطوف شد، با سداران وارد بازداشتگاه شده و به کمک با تون های بلند و میله های آهنی به جان زندانیان افتادند که البته با مقاومت قهرمانانه زندانیان مواجه شدند. در این - درگیری عده زیادی شدیداً زخمی گردیدند. لخته های خون که بر روی زمین دیده میشدند هدی سردرگیری خونین بین حزب اللهی های مزدور و زندانیان بود.

کنار حوض بازداشتگاه و روی اسفالت خون زیادی ریخته بود و جوانانی که از سرش بشدت خون میا مدوسیهوش بود کناره حوض روی زمین افتاده بود. و یک زندانی ساسی بود. این سرکوب با

## کارگران، زحمتکشان، توده های انقلابی!

۲۸ ماهه حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، سرکوب آزادیهای دموکراتیک، گران، بیگاری، قحطی، جنگ ارتجاعی دور زیم ایران و عراق، کشتار و خلعهای کرد و ترکمن و عرب، سرکوب دانشگاهها و... در این مدت و بویژه گسترش یورشهای وحشیانه نهادهای سپاه حزب جمهوری اسلامی علیه نیروهای کمونیست و انقلابی و سرکوب شدیداً آزادیهای دموکراتیک در روزهای اخیر، با موج خروشان و گسترده مبارزات اعتراضی توده های آگاه و انقلابی مواجه شده است. مبارزاتی که در طی این مدت هرگز قطع نشده و روز به روز شورترا زنگشته ادامه می یابد.

رژیم جمهوری اسلامی در برابر امواج توفنده اعتراضات توده ها، با دست زدن به کشتارها، اعدامها و ترورهای گروهی کمونیست ها و انقلابیون به مقابله پرداخته است. لاجوردی جلال "دادستان انقلاب مرکز" در مصاحبه تلویزیونی (۳ تیر ماه ۶۰) با وقاحت میگوید که رژیم حتی در مقابل یک "دختر بچه" که صدای اعتراض بلند کرده "نمی تواند اغماض کند!" و "محمدی گیلانی" حاکم شرع اضافه میکند هر مخالفتی با رژیم جمهوری اسلامی یعنی "جنگ با خدا" و "جزا پیش قتل است. او بیشتر مانع با سو استفاده از اعتقادات مذهبی توده های زحمتکش و با عوام فریبی، مبارزه علیه رژیم سرمایه دارانه را "جنگ مذهبی" جلوه داده و خون زحمتکشان و توده های انقلابی را که از جنایت ها و خیانت های دوسال و چند ماهه رژیم جمهوری اسلامی به ستوه آمده و فریاد اعتراض برآورده اند، "حلال" اعلام میکند. او میگوید مخالف با رژیم حتی اگر "هیچ کاری هم نکرده باشد" و "اگر جاقو هم نکرده باشد" باید "کشت" او و دیگر سردمداران رژیم بیرونی اعتراف میکنند که تمام این "انتقامات" خود ساختار رژیم بوج و دروغ است.

شدت تمام تا حوالی ساعت ۱۳/۱۰ دقیقه ادامه یافت و سپس با سداران جنایتکار پس از مسلط شدن بر اوضاع مبارزات به خارج کردن زندانیان نمودند. آنها را چندتا چندتا به حیاط بازداشتگاه آورده و به زندانیان دستور می دادند که سرو روی خونی خود را بنویسند و زمانی که با امتناع آنها رو بر رو شدند سرهای آنها را در حوض فرو کرده و آنقدر رنگا میدادند که زندانیان حالت غمگی افتاد و دست و پا بزدند و بعد با خوننت آنها را به زمین پرت میکردند. زندانیان را به تمسداد زبانه (تا ندیدند تا هشت نفر یکجا) در ماشینهای بیگان نشانده و پنج اتومبیل اول از بازداشتگاه خارج و بطرف شمال خیابان خیا حرکت کردند. خارج کردن زندانیان از ساعت ۱/۵ آغاز زودر ساعت ۲/۵ به انجام رسید. سپس چند اتومبیل

## در جمهوری اسلامی: خون زحمتکشان آگاه و انقلابیون "حلال" است!!

مردم زحمتکش و آگاه تهران دیدند و شنیدند که در روز شنبه ۳۰ خرداد، این سردمداران رژیم حاکم بودند که از طریق اعلامیه های رادیویی با سداران و وابستانان مسلح حزب جمهوری - اسلامی را برای سرکوب تظاهرات ۱۰۰ هزار نفره مردم تهران فرستادند تا توده های مبارز را با خاک و خون بکشند. سردمداران "حزبی" جمهوری اسلامی با اسم بردن از سرکه (که برای خشتی کردن گاز تاکاور مزدوران در تظاهرات بکار گرفته میشود) بعنوان "الت قتل"!! "کوشش مینمایند اعدامهای مکرر فرزندان انقلابی زحمتکشان را تظهير نمایند اما خودشان شیان در پشت دوربین تلویزیون اعلام میکنند که برای کشتن مخالفین نیازی به "ارتکاب جرم" نیست و کافیت تا کسی با رژیم حاکم مخالف باشد تا "خون او حلال شود"!

زحمتکشان آگاه! چنانکه می بینید این کمونیست ها و انقلابیون هستند که در دفاع از آزادیهای دموکراتیک و در راه تداوم انقلاب در برابر جوخه اعدا مقرر میگردند، و تنها در کمتر از سه روز بیش از ۳۰ انقلابی و کمونیست در تهران و شهرستانها تیرباران شدند و دهها انقلابی در تظاهرات ۳۰ خرداد تهران به خاک و خون کشیده شدند، شما به چشم خود شاهدید که لیبرالهای خائن که در چهارچوب منافع طبقاتی ارتجاعی شان به مخالفت علیه حزب جمهوری اسلامی برخاسته اند و عوام فریبانه دم از "آزادی" میزدند، چگونه بزدلانانه فرو بسته اند و چون گذشته که در ریخته شدن خون فرزندان شما سهیم بوده اند، امروز نیز با سکوت خود عملاً جنايات ارتجاعی - رانایید میکنند و تنها به فکر منافع خوبیند!

با ارتکاب سازمانهای کمونیستی و انقلابی در برابر اعدا مبارز و انقلابیون مبارزات خود را گسترش دهید!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۴/۲ ★ ★ ★

آخرین مدل بی نمره یا نمره خارجی بسرعت وارد حیا با بازداشتگاه شده و ما بقی زندانیان را سوار کردند و دولی در کناره خیابان دوبله ایستادند. که تا آخرین ماشین که یک گالانست شیری متالیک تهران - ل بود و دشمنان راه اولش ۲۲ بود و در حیا ط شده و تعداد دیگری را خارج کرد و بعد یک جیب قرمز آژیردار را تعدادی دیگر از زندانیان خارج و در حالیکه قطاری از اتومبیل پرا ز زندانیان تشکیل داده بودند آهسته بطرف شمال حرکت کردند. در آخر به لحظه استیشن آبی رنگی که در آن پنج مرد مسلح نشسته بودند سر ساعت خارج شده و پیشاپیش سایر اتومبیلها قرار گرفت. شخصی که در جلوی اتومبیل مذکور و کناره را نمانده نشسته بود کسی

بقیه در صفحه ۱۶



### حاکم شرع جمهوری اسلامی همه توده های مبارز ایران را به اعدام محکوم کرد!!

هم میهنان انقلابی و مبارزان!  
"محمدی گیلانی" حاکم شرع جمهوری اسلامی در ماه حبه تلویزیونی (۳۰ تیر ماه ۶۰) علناً اعلام کرد که "نظرات علیه جمهوری اسلامی" یعنی "نظرات علیه رسول الله" ... یعنی "جنگ با خدا" و هر کس که در مخالفت با "این حکومت" در نظرات شرکت کند "حتی هیچ کاری هم نکرده باشد" از نظر جمهوری اسلامی حکم "باغی" و "مخاربان" در باره او صدق میکند و "جزایش سرگ است!"  
او اضافه میکند که "اگر در خیابان یکی از اینها مجروح شده باشد" یا بد او را "تلاش" کرد این است منطق جمهوری اسلامی!  
گلوله: با سخا هر مخالفی!

دو سال و چهار ماهه حاکمیت ارتجاعی و جنایتکارانه رژیم حاکم، تمام توده های آگاه خلقهای ایران را در برابر رژیم قرار داده و فریاد اعتراض و زحمتکشان را بلندتر کرده است.  
با حکم "گیلانی" مرتجع همه توده های مبارز ایران به اعدام محکوم گشته اند!  
تنها با تعدد مسازره علیه مواج گسترده سرکوب، ترور و اخناق است که میتوان توطئه های وسیع استهای ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و آدمکشان باندهای سپاه حزب جمهوری را درهم شکست!

توده های زحمتکش و انقلابی! نگذارید که رژیم حاکم با ارباب، تهدید و سرکوب حاکمیت سنگین خود را به سپاه خون بهترین فرزندان زحمتکشان ایران تثبیت سازد.

هم اکنون، در زندانهای رژیم، حمام خون به راه افتاده است، انقلابیون در بندها و بدنه های له و لوله شده و با سروروی خونین، با مشت های برافراشته برای دفاع از انقلاب و آرمانهای زحمتکشان به مقاومت و پایداری شجاعانه برخاسته اند.

با تمام قوا، مبارزات انقلابی خود را بر علیه سرکوب آزادیهای دموکراتیک، اعدام ها و ترورهای انقلابیون کمونیست و دموکرات، شکنجه و آزار زندانیان گسترش دهید!  
برای درهم شکستن احکام اعدام توسط سرمداران جمهوری اسلامی تنها راه، تشدید مبارزه بر علیه رژیم حاکم و مبارزات لایس میباید!  
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۱۳۶۰/۴/۲



### کارگران، زحمتکشان، توده های انقلابی! دربار بر تیرباران فرزندان کمونیست و انقلابی تان، فریاد اعتراض خود را بلند کنید! ۳۰ اعدام در سه روز!

سرما به او با شان مسلح حزب جمهوری اسلامی هر حرکت آزادیخواهانه مردم زحمتکش و نیروهای انقلابی را به شدیدترین مورتی سرکوب کرده و توده های انقلابی را دستگیر و بدست جلاخان میسپارند.

رژیم جمهوری اسلامی به سرمداری مرتجعین حزب جمهوری در برابر گسترش روزافزون توده های مبارزان انقلابی دست به کشتار اسرارانه زده است.

سکوت در برابر جنایات روزافزون رژیم به معنی تائید سرکوب و خفقان است. متحدان و یاران، علیه اعدامهای انقلابیون و کمونیستها به خیزش و برای آزادی زندانیان سیاسی انقلابی که مرگ هر لحظه جانهاشان را تهدید میکند، به مبارزات بی شورتان ادامه دهید!  
کارگران و زحمتکشان و توده های انقلابی!

به همت والای شما درهای سپاههای رژیم شاه در سال ۵۷، گشوده شد. اینک آزادی فرزندان انقلابی شما که در راههای توده های زحمتکش و پیروزی انقلاب به زندانهای جمهوری اسلامی گرفتار شده اند، در گرو مبارزات انقلابی شما است.

فریاد اعتراضان را بر علیه کشتار کمونیستها و انقلابیون را تیرا رژیم! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۱۳۶۰/۴/۲



دربار بر مبارزات گسترده و اعتراضی مردم بر علیه تشدید خفقان و سرکوب آزادیهای دموکراتیک از جانب اربابان حزب جمهوری اسلامی، سرمداران جمهوری اسلامی به وحشیانه ترین مورتی دست به تیرباران کمونیست ها و انقلابیون دموکرات زده اند. در میان ۳۰ انقلابی تیرباران شده، کمونیست ها بی چون و چقا علمبرما رحمانی، محسن قاضی و سعید سلطانی پور شاعر و نویسنده مبارزان، وجود داشتند که چندین ماه پیش به دست پاداران بر ما به دستگیر شده بودند و اینک تنها به "جرم" عقابدشان تیرباران گشته اند.  
محمدی گیلانی "جلاد شرع" در ماه حبه تلویزیونی (۲ تیر ماه ۶۰) با بیشرمی در خیابانهای میگوید که رژیم میتواند دختی اسیران و زخمی ها را اعدام نماید. جلادان جدید اعلام مینمایند که میخواهند گورستان تیرباران کنند.

آری! سرمداران جمهوری اسلامی که اینک با دروغ و با اواک مسابقه گذاشته و گوی سبقت را بر بوده اند، نمیتوان از سد کردن سبیل خروشان خشم انقلابی، توده های با قساوتی بی انتها به جان انقلابیون زندانی افتاده اند.  
جان همه زندانیان سیاسی انقلابی در خطر است!

هم میهنان انقلابی!  
زندانیان جمهوری اسلامی از فرزندان کمونیست و انقلابی شما برگشته است با سدا ران

### زحمتکشان مبارز! فریاد سرد دهید و نگذارید فرزندان کمونیست و انقلابی شما را قتل عام کنند!

اسلامی شدیداً در خطر است.  
سرمداران جمهوری اسلامی میگویند سزای هر کس که سر تعظیم در مقابل حزب جمهوری اسلامی و رژیم حاکم فرود نیاید و در برک است.  
فریاد خود را بر علیه مواج گسترده ترور و تیرباران بلندتر کنید و نگذارید در ما به سکوت شمار رژیم جمهوری اسلامی بتواند بی سرو صدا حمام خونی از انقلابیون بر راهبیا نندازد.  
هم میهن زحمتکش! بر علیه ترور و سرکوب، فریاد خود را برکش!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۱۳۶۰/۴/۲



سرمداران دستگاه قضایی جمهوری اسلامی که در قبضه مرتجعین حزب جمهوری اسلامی است، در ماه حبه تلویزیونی (۲ تیر ماه ۶۰) علناً اعلام کردند که اسیران و زخمی های گروههای کمونیست و انقلابی را با بداه اعدام کرد. آنها بیشرمانه اعلام نمودند که مخالفت با جمهوری اسلامی یعنی "جنگ با خدا" و چنین اشخاصی خونهاش "خلال" است! و دختران ۱۳ ساله را نیز با "جرم" اعدام کرده اند.

توده های زحمتکش، هم میهنان انقلابی!  
هم اکنون جان هزارها نفر از فرزندان کمونیست و انقلابی شما در زندانهای جمهوری



# کمونئیست پیکارگر رفیق شهید علیرضا (ارشد) رحمانی شستان :

## ستاره سرخ خلق بلوچ بر فراز آتشفشان تفتان

زاهدان بوده در اتوبوس مسافربری توسط ما مورین کمیته منطقه ۱۳ دستگیر و سپس به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی تهران و از آنجا به زندان اوین منتقل شده و طبق اطلاع هم اکنون در بند انفرادی (بند ۲۰۹) بمرمبیدوتا کنون هیچ مرجع قضائی و انتظامی در برابر مجامع مکرر اینجانب نه دلیل با زندان ایشان و نه نوع اتهامات را با زگوندموده اند. چه بسیار روزها می که مرا از این کمیته به آن کمیته و از این زندان به آن زندان پاس داده اند و در همه جا با تحقیر و توهینهای فراوان روبرو شده ام. آیا هیچ گوش شنوا و چشم بینائی نیست که با این ما در پیرو زجر کشیده در برابر اینهمه بی حرمتی و بیعدالتی باشد. آیا این قانون اسلامی است که بعد از گذشت دو ماه که از دستگیری فرزندانم که سرپرستی مرا به عهده دارد، اجازه ندهد بفرار از یکبار ریسوم را ببینیم؟ سدا زگذشت دو ماه هنوز هیچگونه اطلاعی از وضع فرزندانم ندارم و امیدوارم نگران سلامت ایشان هستم و همچنان بابت تکلیف و سرگردان و بسودن سرپرست در شهر تهران به این درون در میزنم و در آزادی هر چه زودتر فرزندانم که به پاسکی او ایمن دارم مبادا زشما تقا ما دارم هر چه زودتر خواسته های این ما در پیرو دردمند

وضعیت فرزندانم را با سخ گوئید.  
با احترام بخت بی بی رحمانی شستان  
اما اینها بی جواب ما ند.

### کارگران و زحمتکشانی ایران، خلق مبارز بلوچ

اینک انقلابی کمونیست، رفیق ارشد رحمانی شستانی (همراه با ۲۴ انقلابی و کمونیست دیگر و همگی در یکروز) به شهادت رسیده است جلادان رژیم حزب جمهوری اسلامی خون این فرزندان خلف زحمتکشان را و قبحا نه تر و سبعا نه تر از آنچه در رژیم شاه هادویم ریخته اند. میر غضبان رژیم نه تنها از این جنایات خود شرم ندارد بلکه با وقاحت تمام بر صفحه تلویزیون ظاهر شده اقدام خود را قانونی و شرعی مینامند. شیخی بنام محمدی گیلانی، حاکم شرع، روز سه شنبه در تلویزیون گفت که آنها اسیران وزندان نیان رامیتوانند بکشند و حتی مجروح را میتوانند بکشند. آنها جنایات وحشتناکی را مرتکب میشوند که در طول تاریخ کم سابقه است. این جلادان کسان را بدنبال تظاهرات اخیر به رگبار بسته و اعدام کرده اند که از ماها بیش از آن تظاهرات، بقیه در صفحه ۱۶



مان ریگی از رفقای شهید  
گوشواره هایم را امید هم به سازمان  
تا قلم و کاغذ بخرم و قاتلان  
فرزندانم را به خونم بشناسانم!

آگاهی بود و هر با ر که بر حسب وظیفه تشکیلاتیش با تهران تماس میگرفت دسته های گل آگاهی و آزادی یعنی نشریات کمونیستی سازمان را به ارمغان میبرد. کینه رژیم نسبت به او و بیپسوده نبود. رژیم دشمن سرخست و مفاوم و آگاه و هشیار خود را خوب شناخته بود.

در روز ۲۰ اسفند در ترمینال تهران، زمانیکه رفیق عازم زاهدان بود پس سله پاسداران جهل و سرما به شانسائی دستگیر شد و به بند ۲۰۹ زندان اوین که زیر نظر مستقیم بهشتی خاشن قرار دارد منتقل گردید. او تحت فشار و شکنجه قرار گرفت، ممنوع الملاقات بود و در معرض انواع تهدیدهای وحشیانه قرار گرفت.

ما در رنج دیده اش به داد دستانی کل نوشت:  
"حضور محترم دادستان کل کشور:

آیت الله موسوی اردبیلی  
احتراماً اینجانب بخت بی بی رحمانی شستان ما در ۲۴ ساله مصیبت کشیده و زجر دیده، مرا تلب زبر را به استخفا رسانده و تقاضای بذل توجه و اقدام فوری دارم.

فرزند اینجانب بنام علیرضا رحمانی شستان در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۰ موقعیکه از تهران عازم

از دبا رنج و محرومیت های طبقاتی و ملی، از دریای فقر و گرسنگی، از صحرای فتنه بلوچستان و از کوهستانهای صعب و سر فراز شرق ایران و از دل آتشفشان تفتان که نشانه ای از آتشفشان خلق دلاور بلوچ و همه خلقهای ستمدیده ایران است ستاره ای سرخ، کمونیستی پیکارگر که به صبح روشن کارگران و زحمتکشان ایران و همه جهان نظاره میکرد و در راه آن پیکار مینمود، دلیرانه قدرها فراتر و بر جا ده خونین آزادی طبقه کارگر را گذارد، ره پیمود و با امید بر قرار جمهوری دمکراتیک خلق، ادا ما انقلاب دمکراتیک فد - امپریالیستی خلقهای ایران را پیشه کرد. او از دشواری ها نهراسید، کینه ای عمیق از سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم و رژیم های حامی آن در دل داشت و عشقی آتشین به طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده و از جمله خلق بلوچ که غسود

فرزند خلیف آن بود در رویش شعله میکشید.  
او راه را یافت. یافتن راه برای دشوار نبود. او خود فرزند در دورنج و از خانواده ای فقیر و ستمدیده برخاسته بود. در دوران تحصیل آگاهی بیشتری یافت. با جوانانی که هم سن و سالش بودند و با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خاشن مبارزه میکردند هم آواز شد و پس از قیام مهین ماه تمام تلاش خود را در راه ادا ما آن مبارزه بسا آن نیروهای ارتجاعی که انقلاب را از پیشروی مانع شده بودند گذارد.

او بعنوان یک کمونیست در سنگر سازمان پیکار، مبارزه خود را آغاز کرد و با طربا بگانه توده های اش در زمستان ۱۳۵۸ کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی از سراسر (بلوچستان) شد و از سوی سازمان ما مورد حمایت قرار گرفت و آرا تعداد قابل توجهی از زحمتکشان بلوچستان را بخود اختصاص داد. بطوریکه اگر حوادث غیر متوقعه ای رخ نداد بود در انتهابات مزبور برنده میشد. توده های زحمتکش بلوچ فرزندان خلف و دلیر و کمونیست خود را خوب میشناسند و به او اعتماد داشته و همین ما به وحشت رژیم و مرتجعین محلی گشت.

رفیق ارشد رحمانی به مبارزه خود ادا ما دو پیگیرانه، بعنوان یک پیکارگر پر شور و به افشای رژیم ارتجاعی حاکم و دشمنی های آن با خلقهای ایران پرداخت

او در مبارزه طبقاتی با ستم طبقاتی و ملی، راه کمونیسم را پیگیرانه میپیمود و برای خلق ستمدیده بلوچ پیام آور



# گمونیست پیکارگر رفیق محسن فاضل: ستاره‌ای سرخ در آسمان ایران و فلسطین

محله عربی زبانه ایران الجما هیزکه بوسیله "بخش منشعب" منتشر میشده مهمی داشت . رفیق که بزبان عربی آشنائی قابل توجهی یافته بود به ترجمه مقالات متعدد انقلابی در رابطه با مسائل ایران و منطقه نیز اقدام میکرد که آثار ترجمه جزوای است نام "انقلاب کرد" از انتشارات یک سازمان کمونیستی عراقی، این جزوه با رها در ایران بدون نام مترجم چاپ شده است .

رفیق محسن فاضل در اواخر تابستان ۵۷ به ایران آمد و در انتشارات روزنامه "آشنا" انقلابی که سازمان پیکار انقلابی دوران اعتصاب دو ماهه روزنامه ها قبل از قیام مهمن، منتشر میکرد سهیم فعالان ای ایفامی نمود .

پس از قیام مدتی در بخش انتشارات و تبلیغات سازمان فعالیت میکرد و استعداد و خلاقیت او بویژه در کارهای فنی و هنری شکوفائی داشت . (از اواسط سال ۵۸ تا زمان دستگیری به زندگی عادی بازگشت و بطور حاشیه ای در رابطه با سازمان همکاری های ارزنده ای داشت . علاقه وی بویونددسیرین و انقلابی او با خلق قهرمان فلسطین، او را همواره به یاری این خلق میکشاند . او طی سفری که پس از قیام به خارج از کشور کرد دست آوردهای پرباری در رابطه با انقلابات خلقهای عرب برای سازمان ما با خود به ارمغان آورد .

رفیق در آستانه سفری که مجددا میخواست به خارج کشور داشته شود قصد داشت که در خدمت به انقلاب فلسطین و انقلاب کارگران و زحمتکشان ایران گامهای تازه بیشتری بردارد و مسوورد شناسائی آدمربایان فاشیست رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و با وجود آنکه معنی نامه از سفارت فلسطین با خود داشت و وزارت خارجه ایران هم بفرار او تائید کرده بود در دام میگه ساواکهای جدید جمهوری اسلامی برایش گسترده بودند گرفتار شد .

از تاریخ ۱۲ بهمن ۵۹ تا ۲۱ خرداد دگه همراه با ۲۲ رزمنده انقلابی و کمونیست دیگر به شهادت رسید ، جلادان رژیم و حزب جمهوری اسلامی او را تحت شدیدترین فشارها شکنجه ها قرار



زمینه های مختلف با انقلابیون فلسطینی و شرکت او در جنگ لبنان در کنار انقلابیون فلسطینی و عرب ، شخصیت انقلابی و رزمجویانه او را در خاطر همزمان فلسطینی و عرب مآبرای همیشه زنده نگاه خواهد داشت . او در کوهپایه های صنین واقع در شرق لبنان هم دوش شهادی جنبش فلسطین نظیر ابوخالد (جرج شقیق عسل) و ابوبوعقوب و نیز شهید یحیی عراقی (که چند ماه پیش بدست فاشیستهای بعثی ترور گردید) مبارزه کرده بود .

پشتکار و بیگاری رفیق در کارها و تعمیر و اصلاح سازی الفتح و در کمیته علمی الفتح و

ابتکار و خلاقیت او در انجام وظایف انقلابی مشترک بین انقلابیون ایرانی و فلسطینی ما به افتخار ما بود . دستگاه ها در جنگ برتاب - کن که بنام "قدس" نامیده شد برای برتاب با علامیه و تراکت نیز پیکار میفرست از مسواردی است که رفیقهای ما و بطور خاص رفیق محسن فاضل اختراع

کردند . از این دستگاه ها بنا به خواست برادران رزمنده فلسطینی تعدادی تهیه شده بود و غسل سوز مینهای اشغالی فلسطین ارسال کردید . تجارب این ابتکار انقلابی نیز بطور مدون بنام رفیق محسن فاضل در دست است . او در انتشارات

کارگران ، زحمتکشان ، خلق های مبارز ایران ! رژیم جمهوری اسلامی و جلادان حزب جمهوری سرانجام زهر خود را ریختند و طی بکروز ۲۳ تن از رزمندگان دلبزرگ کمونیست و انقلابی را آماج کینه طبقاتی خویش قرار دادند و با کشتن و حشانه صفحه ای جدید برکت با بطور جنسایت خود افزودند جلادان رژیم پس از تظا هرات گسترده روز ۳۰ خرداد دگه عمدتا بوسیله سازمان مجاهدین خلق و با مشارکت نیروهای کمونیست صورت گرفت و در ارکان رژیم زلزله افکند ، موقعیت را منتظم نمودند و برای زهر چشم گرفتن از انقلاب و دریا سخ به کینه طبقاتی خود علیه کارگران و زحمتکشان ۲۳ رزمنده انقلابی و کمونیست را به جوخه اعدا سپردند . یکی از این شهدای دلبزرگ رفیق محسن فاضل بود .

رفیق شهید محسن فاضل بیش از ده سال علیه امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم دست نشانده شاه شاهان و در دفاع از آزادی ما انقلاب کارگران و زحمتکشان (پس از قیام مهمن ماه) مبارزه کرد . او بیش از سال ۱۳۵۰ بعقوبت سازمان مجاهدین خلق ایران در آمدوا سال ۵۰ بعنوان یک انقلابی حرفه ای زندگی مخفی را برگزید و پیگیرانه به مبارزه انقلابی خود ادامه داد . طی سالهای ۵۳ و ۵۴ با پذیرش ایدئولوژی رها نی بخش طبقه کارگر ، ما رکیسم لنینیسم ، به عضویت بخش منشعب از این سازمان درآمد . او در چندین عمل نظامی انقلابی ، بمنجمله طرح اعدا م انقلابی ژنرال برای آمریکا طی در سال ۵۰ (در آستانه ورود نیکسون جنایتکار به ایران) شرکت داشت . استعداد فوق العاده فنی و تکنیکی رفیق در ساختن ابزار جنگی از جمله برآه انداختن یک کارگاه اسید پیکریک کمک شایسته به اعدا مبه فعالیت های انقلابی آن سالها بود . مجموعه تجارب رفیق در این زمینه هم اکنون بصورت کتابی در دست است .

**الف - مشخصات حقیقی :**

نام محسن شورت فاضل نام پدر احمد  
شماره شناسنامه ۳۷۲ مسوره از شهید متولد ۱۳۲۸  
خلق رانندگی و دانشگاه شمش آریابهر  
میزان تحصیلات -  
محل سکونت خیابان پهلوی خیابان دانشگاه ملی دوروی منزل  
مسعود خیام

**ب - مشخصات ظاهری**

قد بلند ، رنگه چشم زاع - رنگه مو قهوه ای - علامه منشعب -  
اسامی مشابها یا شناسنامه های جعلی که داشته : ابرود - اردشیر

**پ - وضعیت فعلی**

از اصابی کرده خرابکار ، بیاعتماد خلق ایران میباشد  
که از تاریخ ۱۳۵۱ متواری و اختلاا مسلح به  
سلاح گرمی X نارنجیک - میاور X میباشد .



از اواسط سال ۵۳ رفیق مخفیا نه به خارج از کشور اعزام شد و از آن پس در بخش خارج از کشور (بخش منشعب) سازمان مجاهدین - بسسه فعالیت های سیاسی و نظامی پرداخت . آموزش دربار یگای های انقلاب فلسطین ، همکاری در

## درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق



### رفیق محسن فاضل در پیامی از زندان :

... در اینجا من دستگیری از سنگرها می هستم که "پیکار" بر علیه دشمن گمراه است و وضع من هم دلایل مختلف وضع ویژه ای گشته و این سنگرها همیت پیدا کرده است. من هم وظیفه خودم را سعی میکنم انجام دهم مثل هرفرقی که در هر سنگرد دیگری مبارزه میکند.

**رفقا! زندان من سخت است، هر روز سخت است، آینه داش معلوم نیست و پترا زخماست ولی اینجا من شورمبارزه را برپا داشته ام شورمبارزه با این شرایط سخت در راه آرمانها و هدفهای مبارزه ام، شورنولیدی دوباره ...، شوردرک عمیق ترا هدف و آرمانی که بخاطرش مبارزه می کنم، شورکا کردن و شمعزگفتن برای شما و انقلاب تحت این شرایط. من مصمم هستم تا به آخر آتش این شور را شعله و رنگا ه دارم و اگر فرا راست پایان زندگی من اینجا باشد چنین روحیه پرشوری بگذارم تا تمام شود...**

هرگز فراموش نکنند.  
با در رفیق محسن فاضل، این شهیدان انقلاب ایران و فلسطین را کرامی میدارم و سوگواری می خورم که تا نا بودی امیرالایم و ارتجاع داخلی، تا برپائی جمهوری دموکراتیک خلق و آزادی طبقه کارگر و نسل به سوسیالیسم مرکز از پای ننشینیم، تا رفیق محسن فاضل (رفیق ساسانی) در زمره شهدای انقلاب فلسطین نباشد جا و دانه خواهد درخشید.

درود - رفیق شهید محسن فاضل!  
درود - ۲۳ شهید ۳۱ خرداد ۶۰!  
مرگ بر امیرالایم و ارتجاع داخلی!  
سنگ و نفرت بر مرتجعین حاکم بر ایران  
که دوستان و رفیقان و مبارزان خلق فلسطین اند!  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۶۰/۴/۲

انقلاب فلسطین را نیز بعنوان سفارت نمایی - شما بد (رجوع شود به پیکار شما ره ۱۰۹) جزایسن انتظاری نداریم، بگذار "دادستانی انقلاب" اعلامیه مختص و فاشیستی اخیر خود، بشیرنامه در گنارنا میرافتخار رفیق فاضل بنویسند - شرکت در قتل! آری رژیم جمهوری اسلامی با (پیدا) انقلابیون ما را بجرم شرکت در قتل - آمریکا شایه، صهیونیستها و فاشیستهای لبنان، به جوخه عدا مپسارند. این تنها صورت صحیح مساله است.

بهبشتی ها که دست "هویزر" را صمیمانه فشردند و آنها که با "رمزی کلارک"ها بیمنی های در زمدت بستند بران حزب و رژیم حاکم اند و انقلابیون ما که با آمریکا شایه و دیگر امپریالیست - ها جز با قهر انقلابی روبرو نشده و نمی شوند - با بد در چنین رژیمی این چنین قضایی شوند. اما اعتدالی انقلابی توده ها و زدوده شدن توهمات آنان چنان درسی به ارتجاع خواهد داد که آنها

دادند. او در بند خا می از زندان اوین زیر نظر شخصی دکتربهبشتی در زندان انفرادی بسربرد، نسا رهای بسیار جنا پیکاران برای بزانو در آوردن او برای واداشتن او به گفتن کلمه ای در باره رگت از اعتقاد انقلابی و کمونیستی خود، همگی بی شرم تا در رفیق محسن فاضل پیچون درختی سر بلند ایستاده مردوشها دت در راه آرمان والای کارگران و زحمتکشان ایران و آرمسان خلق قهرمان فلسطین را با جان پذیرا گشت.

دروغگویان و جنا پیکاران حاکم از زبان "دادستانی انقلاب" در اعلامیه ای به مناسبت دستگیری رفیق فاضل ادعا کردند که چنین رفیق کمونیستی آنها با آنهمه سابق درخشان انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، گویا در رابطه با "نقشه های سیا" ساخته "میخواستند" ایران را ترک کند!

ما از رژیمی که تمام تلاش خود را از ابتدای کسب قدرت تا کنون در راه سازای سرمایه - داری وابسته به امیرالایم پیکار بریده و کارگران و کمونیستها و نیروهای انقلابی و خلقهای قهرمان ایران را در معرض حملات فاشیستی خود قرار داده است، جز این انتظار نداریم.

ما از رژیمی که همه ادعاها پیش در حمایت از خلق فلسطین چیزی جز عوام فریبی نبوده و همه انطور که ما با رها اعلام کرده ایم هیچ - آری هیچ - کسکی شایسته ذکر، به انقلاب فلسطین نکرده است و اخیرا حتی شناسائی سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان یک دولت نماینده خلق فلسطین را پس گرفته و دفتر نماینده گسی

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور خارجه

اداره گذرنامه و وادیه :  
شماره : ۱۲/۲۰۰۳۰  
تاریخ : ۵۹/۱۱/۲۵  
پوست :

نام خانوادگی : فاضل  
نام : محسن

دختر نخست زبیری - مستخر در اداره گذرنامه قهرمانی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۲۰۲  
دارنده گذرنامه نامی شماره ۱۳۸۲۰۲

مادره از تهران طارم خان از کتور سیاهند بموجب نامه شماره ۱/۲/۱/۱۰۹  
۱۳۵۹/۱۱/۱۵ سازمان آزادی بخش فلسطین نامبرده از ایران است که در صفوف انقلاب فلسطین بود فوراً متذکر مراتب جهت اقدام مقتضی ایستاد مگرد.

تواستند است در صورت نمایندگی، مقررات حدیث به اجازه خروج نامبرده از مرزهای سازمان کشور اقدام لازم معمول در اول وقت...

مدیرکل امور کنسولی - اسامعی ۱۰۱  
۵۹/۱۱/۲۵

سازمان آزادیبخش فلسطین  
تهران

مظنه التحریر الفلسطينية  
طهران

رقم :  
تاریخ :

۱۲/۲۱  
۱۳۵۹/۱۱/۲۵

وزارت امور خارجه

با درود های اعلیای  
و تبریکات از آزادیبخش فلسطین در تهران درودهای خود را تقدیم میدارم و با اطلاع رساند که  
آزادی محسن فاضل عزیزند احمد یکی از برادران ایرانی که در صفوف انقلاب فلسطین بود میبایستند  
تواستند است تکمیلی لازمه را برای تقدیم نماید تا بتواند بعنوان انقلاب فلسطین بازگردد.

با تشکر و احترامات فائقه  
انقلاب تا پیروزی  
دختر سازمان آزادی بخش فلسطین - تهران  
۱۳۵۹/۱۱/۲۵

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



### مصر: زمین زبر برای امپریالیسم و ارتجاع می لرزد!

هفته گذشته ما هدر حرکت تعرضی تازه ای از سوی توده های زحمتکش مصر بودیم. ما بقدها پس حرکتی تعرضی به سالها پیش بر میگردیم. کارگران مصر که تعدادشان به حدود ۳ تا ۴ میلیون میرسد دارای سن انقلابی و مبارزاتی چشمگیری هستند. رشد نسبی نیروهای مولده در مصر نسبت به بسیاری دیگر از کشورهای عربی، فرهنگ مبارزاتی توده های مصری و نیز سابقه دیرین ۴ جنگ بسا اسرائیل، به حرکتی تعرضی که در این کشور رخ میدهد، ابیادی خاص و گسترده میبخشد. در یک کلام با بدگفت که مصر بدلیل اهمیت سیاسی، اقتصادی و نظامی اش در خاور میانه و شمال آفریقا کلید دیا دروازه تحولاتی مهم در کشورهای این منطقه میباشد. این است که ما باید به جنبش های توده ای در مصر اهمیت ویژه قائل شویم. بعد از زوری که از آمدن سادات پس از ناصری روزهای آخر پست امیر ۱۹۷۰، رژیم سادات بتدریج با بهای قدرت خود را مستحکم کرد و در قیام سیاسی رایجی بین ازدگیری از صحنه خارج نمود. مهم ترین مشکل یعنی رویارویی با اسرائیل را سرانجام با صلح خاشاکانه کمپ دیوید که زیر نظر کارتر منعقد گردید به نفع اسرائیل و بورژوازی وابسته مصر با صلاح "حل نمود" در زمینه داغلی با سرکوب هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی، با کشودن دروازه های کشور به روی سرمایه های امپریالیستی و حمایت از سرمایه داران بزرگ و فئودالهای سابق راه را برای تسلط کامل سرمایه داری وابسته هموار ساخت. این وضع موجب فقر هر چه بیشتر کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش را فراهم آورد.

طی سالهای گذشته مقاومت توده های مصری اشکال متعددی یافته که یکی از بارزترین آنها قیام توده ای روزهای ۱۷ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۷۷ (اواردی ۱۳۵۶) بود. شهر میلیونی قاهره و نیز اسکندریه و دیگر شهرها تا دشورش عظیم توده های فقیر مصر بودند. جاشنی انفجار این قیام گران شدن نرخ نان بود. در این روزها به با سکا های متعدد بلیس حمله شد و ما موران خلق سلاح گردیدند. مغازه های بزرگ و بانکها و دیگر اماکن وابسته به امپریالیستها و وابستگان داخلی شان در معرض شورش انقلابی مردم قرار گرفت. متاسفانه جنبش کمونیستی مصر که آفت رویزیونیسم را زایلها پیش در جان آن رخنه کرده و آنرا خیانکارانه بهوشانده است، در آن شرایط از موقعیت انقلابی آن توانائی را نداشت که جنبش خود بخودی توده ها را رهبری کند و در نتیجه جنبش به پراکندگی و شکست منجر شد. هر چند دست آوردهای قابل توجهی در زمینه های مختلف از



جمله در زمینه "هنر انقلابی و توده ای" از خود به جای گذاشت که با بد در جای دیگری از آن سخن گفت. توده های زحمتکش مصری که بویژه وضع فلاکتی ردهقانان و روستا نشانش سندی بسیر جنابات امپریالیسم و بورژوازی وابسته در این قرن میتوانند محسوب شود، هرگز از پیانشسته اند و علیرغم تلاش های ارتجاعی رژیم برای مشغول کردن آنان و نیز برای تفرقه بین صفوف آنان و راه انداختن دعوی مسیحی و مسلمان و... علیه رژیم ارتجاعی سادات و خط مشی خاشاکانه آن در قبال اسرائیل و آمریکا مبارزه کرده اند. زحمتکشان مصری و نیروهای کمونیست، انقلابی و مترقی آن، مساله فلسطین را نیز که از نسوی سادات خاشاکانه مورد تجاوز و زانو نگار قرار گرفته است مساله خود تلقی میکنند. از نظر هرات اخیر جز آنچه خبر گزارها گزارش کرده اند که ۲ کشته و ۳۱ مجروح بجای مانده اطلاع بیشتری در دست نیست ولی هر چه هست تا شید این حقیقت است که "توده ها تسلیم نمی شوند."

### شرکتهای چند ملیتی: ابزار قدرتهای امپریالیستی

مؤسسات چند ملیتی ابزار قدرتهای امپریالیستی برای بسط کرده اهداف برتری-جویانه و تقسیم اقتصادی جهان بشمار می آیند. این مؤسسات از طریق استثمار کارگران و جباوئل مواد خام به قیمت نا شین و فروش کالاهای اضافی خود به قیمت های گزاف سودهای هنگفتی تأمین میکنند. تولید جهانی ۸۰ درصد بازرگانی نیست و بیش از ۴۰ درصد صادرات مواد اولیه کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکا را لاتین و این مؤسسات چند ملیتی در دست دارند. در حقیقت مرکز خود ۷۰ درصد شرکتهای چند ملیتی در آمریکا است و امپریالیسم آمریکا با اتکا به این اهرمهای استثمار برای بر جها رگوشه جهان جنگ انداخته است. بیش از ۳۰۰۰ مؤسسه انحصاری آمریکا لسی در آمریکا را لاتین شعبه دارند. این مؤسسات امپریالیستی ۹۳ درصد سود ۶۲ درصد آه

۶۰ درصد نفت ۴۵ درصد مگنیزیم و ۴۰ درصد سرب قاره آمریکا را لاتین در دست دارند. درجه نفوذ شرکتهای چند ملیتی امپریالیستی در این قاره به میزان زیاد است که ۴۱ درصد تولید ملی ۲۳ کشور این بخش از جهان و ۸۵ درصد صنایع آن در دست سرمایه های خارجی بویژه آمریکا، آلمان غربی، ژاپنی و انگلیسی است. برای اینکه میزان غارت بصرها نه این شرکتهای را بگوئیم که نسبت میان کنیم که آنها از سال ۱۹۶۸ تا سال ۱۹۷۶ سودی به میزان ۵ برابر سرمایه گذاری ها در آمریکا را لاتین و سودی به میزان ۴ تا ۵ برابر سرمایه گذاریها در آسیا به چنگ آورده اند. سوئال امپریالیسم شوروی نیز همانند دیگر قدرتهای امپریالیستی به جبا وئل مسوان اولیه مشغول بوده و میکوشد تا با زار فروش کالای سرمایه گذاری هر چه بیشتر تا من شتابد. دولت شوروی میکوشد تا با اشتراک با دولتتهای ارتجاعی و با مؤسسات سرمایه داری بومی و بیا به طور مستقیم در دیگر کشورهای با اهداف نوس-استعماری خود تحقق بخشد. سوئال امپریالیستها با ۷۵ کشور چنین قراردادهایی را منعقد نموده اند. هندوستان از این نظر نمونه بارز می باشد. سوئال امپریالیستی شوروی ۸۵ درصد صنایع ماشین سازی ۳۵ درصد صنایع پالایش نفت و ۳۰ درصد صنایع ذوب آهن و ۲۰ درصد صنایع انرژی را کنترل میکنند. شرکتهای چند ملیتی فقط دارای مملکتها اقتصادی نبوده بلکه در زمینه سیاسی و نظامی نیز فعال میباشد. این شرکتهای از هیچ جنبایتی در قبال خلقها دریغ نمی ورزند. این شرکتهای در اتحاد و همدمی با دولتتهای ارتجاعی محلی نه تنها به غارت و استثمار می پردازند، بلکه به علاوه علیه جنبشها و انقلابات، توطئه می چینند و با سه طور فعال در جهت برانداختن جنبای مخالف خود اقدام میکنند. کودتا های که در کشورهای وابسته صورت میگیرد در این مناطق با منافخ این شرکتهای و در همدمی با سازمانهای جاسوسی مربوطه میباشد. بعنوان نمونه شرکتهای چند ملیتی آمریکا شای در همکاری با (CIA) سیاسی و بینتگون در کشورهای مختلف عمل میکنند. در کودتای ۱۹۶۴ برزیل یک شرکت معظم آمریکا شای با همکاری "سیا" مداخله داشتند. در سال ۱۹۷۳ شرکت آمریکا شای "آی - تی - تی" (۱.۵.۲) در همکاری با سازمان جنایتکار "سا" در فلسطین کودتا نمود، دولت آلندره را ساقط کرده و دولت فاشیستی پینوشه را بر سر کار آورد. بدین ترتیب درمی با نسیم که چگونگی امپریالیستی خونیخوار در همدمی با ارتجاع محلی بر علیه خلقها توطئه می چینند و چگونه با سرکوب خونین انقلابات اهداف اقتصادی امپریالیستی خود را تا من میسازند. اما مملکتها نسیم که هیچ توطئه، جنایت و کشتاری نمیتواند مانع از انقلاب خلقها علیه امپریالیسم جهانی و بورژوازی باشد.



### زنده باد اعصاب کارگران در سودان

موج مبارزات و اعتصابات سودان را فرا گرفت. کارگران و کارکنان راه آهن و حمل و نقل سودان در اعتراض علیه اختناق و خفقان حاکم و دستگیریهای وحشیانه چندین روز پیش دست به اعتصاب زدند. دربار بر سرکوب رژیم کارگران و زحمتکشان شهری دلیرانه به زود خورد با پلیس رژیم ارتجاعی "نمیری" پرداخته و همچنان به مقاومت خود ادامه دادند. برای شکستن اعتصاب رژیم مزدور سودان به اعتصابیون یک مهلت ۲۴ ساعته داد و اعلام نمود در صورت ادامه اعتصاب و مسابزه رژیم به خشونت و سرکوب بیشتری روی آورده و فیلما لین اعتصاب را به حسین اسد محکوم با ختبه و اعدام خواهد نمود. لیکن این توطئه ضد انقلابی نیز نتوانست تزلزلی در

### بلیس عراقش کارگران را بخون کشید

اراده استوار کارگران و زحمتکشان بوجود آورد. در دهم خرداد ماه دولت ارتجاعی ملک حسن دوم تصمیم گرفت تا قیمت مواد ضروری اولیه را بمیزان ۳۰ درصد افزایش دهد. کارگران و زحمتکشان که در فقر و فلاکت بسر میبردند بر این اقدام ارتجاعی دست به اعتصاب و شورش زدند. آنها که سالهاست از استمگری طبقه حاکمه و رژیم دیکتاتور ملک حسن به ستوه آمده اند به تعرض بر علیه حکومت برخاسته و به زود خوردیسا پلیس فاشیست رژیم دست زدند. پلیس جنایتکار به سرکوب و وحشیانه پرداخته ۳۰ نفر را کشته و صدها نفر را زخمی نمود. علیرغم این سرکوب جنایتکارانه جوش مبارزاتی توده های زحمتکش هنوز فروکش نکرده و مسلما این مبارزات در تکامل انقلابی خود منجر به سرنگونی رژیم حاکم خواهد شد.

### جاسوسی برای رژیم جمهوری اسلامی، یکی دیگر از افتخارات حزب توده!

"پس از اعلام رسمی داروستانه خاشن حزب توده مبنی بر شناسائی دانشجویان انقلابی و کمونیست در خارج از کشور و معرفی آنان به مقامات امنیتی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و اقدام به عکسبرداری در محوطه غذا خوری دانشگاه دانشجویان انقلابی و کمونیست (از جمله مساهواران سازمان سپکا ردر راه آزادی طبقه کارگر) در شهر فزانگفورت روز چهارشنبه ۳ ژوئن ۸۱. برای برپا ۱۳ خرداد ۱۳۶۰ اقدام به برجیدن بساط جاسوسی این جیره خواران بورژوازی نموده و آنان را با خفت و خواری از محوطه غذا خوری دانشگاه فزانگفورت بیرون راندند... خادمین بورژوازی و خاشن به خلق از آنجا شیکه منافعی طبقه ای خود را در حفظ رژیم سرما به داری وابسته جمهوری اسلامی می بینند، برای تکمیل چاپلوسی و چاکرمنشی خود نسبت به سرما به داران حاکم در اعلامیه ای منتشره از دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده در تاریخ ۶۰/۲/۲۹ مینویسند:

"حزب توده ایران همواره بموجب مسئولیتی که در قبالت انقلاب و جمهوری اسلامی و مردم انقلابی ایران احساس میکند هرگونه اطلاع را که در مورد فعالیت توطئه گرانه ضد انقلاب به منظور براندازی جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای بزرگ مردم ایران بدست آورده در اختیار مقامات مسئول قرار داده خواهد داد. حزب توده ایران به خود میباید که در این زمینه در دفاع از انقلاب موفق به خدمات موثری نیز شده است." (تا کیدازما)

رفقا و هموطنان مبارز! مگر مزدوران ساواک و سیا (سازمانهای جهنمی امپریالیسم جنایتکار امریکا) دیروز، مزدوران ساوای امروز ایران و دیگر عناصرمزدور و خود فروخته گاری جزرا پرت دادن و شناسائی و لو دادن انقلابیون هم داشته اند؟

و امروز می بینیم که حزب خاشن توده علنا (بر خلاف سابق که مخفیانه و بدون اعلام علنی عمل میکرد) اعلام قبول وظیفه نتگین جاسوسی و خبرچینی را مینماید تا شاید بدینوسیله به دریافت امتیازاتی از قدرتمندان مرتجع و ضد - انقلابی نائل آید."

تنگ و نگرتر بر روی بنویسند توده ای اکثریتی و سه جهانی!

### بقیه از صفحه ۱۲ کمیونست...

در زندان انفرادی بوده اند. جلادان رژیم با سفاکی های خود روی شاه و هیئت روفالانزبتهای لبنان را سفید کرده اند. سران رژیم جمهوری اسلامی نقش "حماک ما ردوش" و "حاج بن یوسف" را بعهده گرفته اند. آنها با سرکوب انقلابیون و کمونیستها و کارگران و زحمتکشان ایران و وظیفه ای را که امپریالیستها امریکائی و اروپائی در کنفرانس گوا دلوب بعهده شان گذارده اند در اندازند اجرا میکنند. در آن کنفرانس توافق شده قدرت از رژیم شاه به رژیم جمهوری اسلامی بطور مسالمت آمیز منتقل شود چرا که امید داشتند که رژیم جدید در آینده ای نزدیک (کسه همین امروز است) وظیفه تاریخی و طبقه ای خود را در سرکوب کمونیستها و انقلابیون و راه انداختن حما خون انجام خواهد داد. جلادان رژیم مثال لاجوردی اعلام میکنند که در ایران ۶ گورستان درست خواهند کرد. نتگنان بید!

رفیق شهید علیرضا (ارشد) رحمانی شستان بدست چنین جلادانی به شهادت رسید. برخلاف تصور مرتجعین، توده های زحمتکش ایران در برابر این اقدامات سبانه مقاومت خواهد کرد. کمونیستها و انقلابیون با بردن آکا هی هر چه بیشترین توده ها مقاومتی سراسری ایجاد خواهند کرد. خون دهقانان از انقلابیون و کمونیست - های شهیدروها ای خیر همچنان خواهد جوشید تا دم از زورگرا سرما به داری حاکم بر آورد و بر سر چرخه که رفقا شئی مثل ارشد رحمانی برافراشته نگه داشتند بر فراز اسرار ایران به اهتزاز آید.

گرمی با دخاله رفیق شهید ارشد رحمانی فرزند دلیر خلق بلوچ! درود بر شهدای بخون خفته خلق! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

### بقیه از صفحه ۱۰ گشتاور...

نموده چرا شاه! الله قما به اسبنا و نیز برای ذبح دلخواه جمهوری اسلامی و اردگود شده بود. لازم به تذکرات که شاه الله قما به همراها نشستن و اکثراننده های این انومیلها سا هیوش بودند. و تعداد کمی از آنها ریش داشتند. (و بنا به های شسته رفته ای داشتند). حوالی ساعت ۱۲/۳۰ پاسداران ارتجاع سرعت مشغول نشستن خونهای ریخته شده در کف حیاط بازداشتگاه شدند. طبق اخبار بعدی در این واقعه سه نفر از شدت ضربات چماق در داخل زندان کشته شدند. تعداد زندانیان خارج شده از زندان در این روز که همگی زخمی بودند بین ۶۵ تا ۷۵ نفر بود.

روز بعد (۶۰/۳/۲) زندانیانی که هنوز در بازداشتگاه بودند از حوالی ساعت ۸/۱۵ صبح دوباره بر سر راه شعار را آغاز کردند، که با اعتراض و سرخاش پاسداران روبرو شده و پاسداران گفتند که "اگر رویتان را کم نکنید همانجا شئی میسی - فرستیمتان که دیروز آنها را فرستادیم." سپس ارتجاع وحدل لفظی بین پاسداران و زندانیان گفته میشود که حدود ۱۰ نفر از دیروزها تیر - باران شدند. حوالی ساعت ۹/۳۰ تا ۱۰ صبح مبارزات به خارج کردن تعداد دیگری از زندانیان (بین ۸ تا ۱۶ نفر) با چها را تومیل به نقطه با معلومی کردند.

ضمنا در روز ۶۰/۳/۲۶ پاسداران در برابر اعتراض مردمی که به علت سروصدا در مقابل درب بازداشتگاه تجمع کرده بودند اظهار میداشتند که اینها مواد مخدری و قاچاقچی هستند و عین همین ارا حیف را انجمن اسلامی دادگستری نیز تبلیغ میکرد.









<p>گردستان:</p> <p>۱۰۰۰۰ بانه</p> <p>۳۰۰۰۰ بوکان - ک - ن</p> <p>۲۰۰۰۰ محسن - ع بوکان</p> <p>۵۰۰۰۰ سنج - آذر</p> <p>۳۰۰۰۰ ملایر - تهران</p> <p>۲۶۰۰۰ زمختکش - کاک - الف سقز</p> <p>کرمانشاهان ولرستان</p> <p>۱- کرمانشاه:</p> <p>۲۰۰۰۰ ی-آلدپوش</p> <p>۲۴۰۰۰ رویا</p> <p>۲۰۰۰۰ شلوغر</p> <p>۵۰۰۰۰ ک-قاسم - ف</p> <p>۵۰۰۰۰ ایران مادرمبارز</p> <p>۵۰۰۰۰ الف - تویسرکان</p> <p>۲- خرم آباد:</p> <p>۷۰۰۰۰ ع باغ</p> <p>۲۰۰۰ صفرا</p> <p>گیلان:</p> <p>۵۰۰۰۰ حوزه کاکری رفیق احسان</p> <p>۵۰۰۰۰ ع لوشان ورودبار</p> <p>۵۵۰۰۰ ع لوشان ورودبار</p> <p>۴۴۰۰۰ هواداران کیمک ویزه</p> <p>۴۰۰۰۰ حشمت علی</p> <p>۱۰۰۰۰ ف - ع</p> <p>۵۰۰۰۰ ر - ر</p> <p>۵۰۰۰۰ مشهدی دلاور</p>	<p>۲۷۵۰۰ م</p> <p>۲۲۰۰۰ ن پال ؟</p> <p>۵۰۰۰۰ شاهین</p> <p>۲۵۰۰۰ کمون اژدر</p> <p>۲۱۰۰۰ ج-دکرج</p> <p>۱۷۰۰۰ آر-کرج</p> <p>۵۰۰۰۰ ن - س - کرج</p> <p>۵۰۰۰۰ ف - ک - کرج</p> <p>هواداران منتقله</p> <p>مبارزان</p> <p>۲۲۰۰۰ م - م</p> <p>۷۰۰۰۰ م</p> <p>شیراز:</p> <p>الف - ت</p> <p>ب - راننده وانت</p> <p>پ - پوران</p> <p>ج - خ برای کومه</p> <p>س - م</p> <p>م - م</p> <p>م - الف</p> <p>ک - جنگرده</p> <p>ن - ن</p> <p>ک - ک</p> <p>بوشهر:</p> <p>فوزانه</p> <p>هواداران</p>	<p>دزبریکمهای مالی عادی این هفته ونیز کیمک های مالی مربوط به فراخوان کمیته مرکزی برای بالا بردن تیراژ پیکار ردج میگردد.</p> <p>اصفهان:</p> <p>الف - د ۲۰۰۰۰</p> <p>الف - ک ۱۰۰۰۰۰</p> <p>بنفشه ۵۰۰۰۰</p> <p>ر-مادر ۵۰۰۰</p> <p>رفیق هوادار پیژ ۷۰۰۰</p> <p>جنگزدگان هوادار ۳۰۰</p> <p>س - ل - پولادشهر ۱۰۰۰۰</p> <p>س - د - پالیکا ۷۰۰۰۰</p> <p>شادی ۲۰۰۰۰</p> <p>تهران:</p> <p>فراخوان:</p> <p>آرش - ج ۱۵۰۰</p> <p>ب - ع - کارگر ۴۰۰۰</p> <p>ع - د - اراک کمیته کوه ۲۳۷۰۰</p> <p>۲۲۰۰۰</p> <p>عادی:</p> <p>حیدر ۱۰۰۰۰</p> <p>زندانیان سیاسی هوادار ۵۰۰۰۰</p> <p>کارگر خاشار ۱۰۰۰۰۰</p> <p>هنری د - د - بنزین ۱۵۰۰۰</p> <p>خانواده ش - الف</p> <p>هفتگی ۱۰۰۰</p> <p>الف ۱۱۱۰۰</p>	<p>ه - ب</p> <p>ک - خدنگ ۳۰۰۰۰</p> <p>شهناز ۵۰۰</p> <p>م - پرو - فراخوان ۱۰۰۰۰</p> <p>دارپوش - فراخوان ۱۰۰۰۰</p> <p>آ - همدان ۷۱۰۰۰</p> <p>ب ۲۵۰۰۰</p> <p>۸-گیلان</p> <p>۱ - رشت:</p> <p>شاهین وما زار ۱۵۰۰</p> <p>م - معلم هوادار ۱۰۰۰۰۰</p> <p>کا - رگر - ب ۹۰۰۰</p> <p>کا - رگر - ک ۲۵۰۰</p> <p>کا - رگردان ۱۰۰۰</p> <p>ک ۱۰۰۰</p> <p>ر - ج ۱۵۰۰</p> <p>کا - رگر - بنزین ۲۰۰</p> <p>کا - رگر - مادق ۵۰۰</p> <p>کا - رگر - س - م ۲۰۰۰</p> <p>۳۰ سوخت</p> <p>بهرام ۹۰ سوخت + ۵۰۰۰</p> <p>ک - آ ۶۱۱۰</p> <p>اف ۳۰۰۰</p> <p>هاله و مادرمبارز ۲۰۰۰</p> <p>ر - کارمند ۲۰۰۰</p> <p>تعدادی از مسلمین هوادار ۱۵۰۰۰</p> <p>۹-مازندران</p> <p>۱ - آمل</p> <p>۸۸۲۲</p> <p>۱۰۰۰۰</p> <p>۱۰۰۰۰</p> <p>۳۰ بنزین</p> <p>۲۷۵۶</p> <p>۳۶۹۲</p> <p>۶۵۲۳</p> <p>۳۴۵۶</p> <p>۲۰۰۰</p> <p>۵۰۰۰</p> <p>۹۹۰۰</p> <p>۱۵۰۰۰</p> <p>۲۰۴۰</p> <p>۵۶۸۰</p> <p>۲۲۹۶</p> <p>۶۶۶۶</p> <p>۵۰۰۰</p> <p>۳۴۵۲</p> <p>۲۰۰۰</p> <p>۲۰۰۰</p> <p>۱۵۰۰</p> <p>۱۲۰۰</p> <p>۱۰۰۰</p> <p>۲۰۰۰</p> <p>۱۳۵۲۳</p> <p>ب - مایل:</p> <p>د - د ۹۳۰۰</p> <p>۳ - توکمن صفرا:</p> <p>رفقای هوادار کوبین ۱۰۰۰</p> <p>۴ - نفره ۷۱۰۰۰</p> <p>رفیق هوادار ۱۰۰۰</p> <p>۲ - ساری</p> <p>هواداران زندانی ۲۵۰۰</p> <p>۵ - قاشمشهر:</p> <p>۳۰۰</p> <p>۶ - گرگان:</p> <p>رفقای زندانی ۱۵۰۰</p> <p>۷ - محمودآباد:</p> <p>ل و فرزندش ۱۰۰ دوربالی</p> <p>۸ - نور</p> <p>سوخت ۷۰ لیتتر</p> <p>۹۰-خارج کشور</p> <p>استهکلم ۹۱۲۰۰</p> <p>گوتنبرگ ۱۵۲۸۰۰</p>	<p>۷-کازرون</p> <p>ع ۶۱۰۰</p> <p>حسن ۵۰۰</p> <p>الف ۲۵۰۰</p> <p>ب ۱۰۰۰۰</p> <p>ب ۲۰۰۰</p> <p>فواد ۵۰۰۰</p> <p>ج ۶۱۰۰</p> <p>ر - ن ۱۰۰۰</p> <p>س - د ۲۰۰۰</p> <p>س - ر ۲۳۵۰</p> <p>سحر ۱۲۵۰۰</p> <p>سرباز هوادار کومله ۲۰۰۰</p> <p>ش - م ۲۰۰۰</p> <p>رفیق ۲۲۰۰</p> <p>م - ن ۲۰۰۰</p> <p>میترا ۳۰۰۰</p> <p>۶-کردستان</p> <p>۱-سقز:</p> <p>ت ۲۳۰۰</p> <p>بیمان ۲۰۰۰</p> <p>س ۸۵۰۰</p> <p>س ۲۵۰۰</p> <p>س - ع ۷۶۰۰</p> <p>سکو ۲۰۰</p> <p>ع - گروهان ۱۵۰۰</p> <p>قدیبه ات رسید</p> <p>ف ۳۶۰۰</p> <p>قلو ۷۲ تبرفتنگ</p> <p>ل ۵۰۰۰</p> <p>مادر - ن ۲۰۰۰</p> <p>م - ج ۲۵۰۰</p> <p>هیرش ۲۰ لیتربنزین</p> <p>ه ۱۰۰</p> <p>ح ۲۰۰</p> <p>ح ۲۰۰</p> <p>ح ۲۰۰</p> <p>ک ۸۰۰۰</p> <p>ک ۱۳۵۰۰</p> <p>ک ۲۰۰</p> <p>ل ۲۰۰</p> <p>م ۵۰۰</p> <p>س ۲۱۰</p> <p>ک ۲۵۰</p> <p>۲ - سنندج:</p> <p>م ۳۳۰۰</p> <p>م ۱۰۰۰</p> <p>ع ۲۵۰</p> <p>ب ۵۰۰۰</p> <p>ک ۵۵۲۱</p> <p>ک ۲۰۰۰</p> <p>ک ۱۴۰۰</p> <p>هاش ۲۲۰۰</p> <p>هواداران ۷۲۰۰</p> <p>ع ۱۰۰۰</p> <p>ب - ع خواهر پیشمرگه ۲۱ بنزین</p> <p>خواهر پیشمرگه ۱۰۰۰</p> <p>خسرو ۱۵۰۰</p> <p>هستم ۱۰۰۰</p> <p>معلم هوادار ش ۱۰۰۰</p> <p>آرش ۵ ساله ۱۰۰</p> <p>تیمور - کارگر ۱۰۰۰</p> <p>ک ۲۳۰۰</p> <p>م ۱۶۰۰</p> <p>ج - بی - فراخوان ۱۵۰</p> <p>ب - ک ۳۰ بنزین</p> <p>نا - س - فراخوان ۱۰۰</p> <p>س ۷۱۰۰۰</p> <p>۷-کرمانشاهان ولرستان</p> <p>۱ - بروجرد:</p> <p>تادباش عروسی هوادار ۱۰۳۰۰</p> <p>م - م ۳۶۶۰</p> <p>ایران نوید ۲۰۰۰</p> <p>۲ - تویسرکان:</p> <p>م - م ۳۰۰۰</p> <p>۳ - قصر شیرین - فراخوان</p> <p>شیدز آواره ۵۰۰</p> <p>زرتشت آواره ۵۰۰</p> <p>۴ - کرمانشاه</p> <p>جمعی از هواداران جنبش ۲۵۰۰۰</p> <p>معلم بهرنگ ۳۰۰۰</p> <p>معلم مطری ۵۰۰</p> <p>پرویز ۵۰۰</p> <p>س ۲۷۰۰</p>
--	--	---	---	--

ادامه مصاحبه با رفقای معلول حادثه دانشگاه:

### تجلی دیگری از استواری یک کمونیست

در دنیا له افشاگری ها هست که از جنایات حزب جمهوری اسلامی در سرکوب وحشیانه راهپیمایی ۲۱ فروردین ۶۰ سازمان دانشجویان و دانش - آموزان پیکار را در دیدم و در آن، رفقای مجروح و معلول این جنایت به شرح وضعیت خود مقاومت و روحیه حماسه آفرین خود پرده افشای کردند، در این شماره پاسخ یکی دیگر از رفقای زخمی را میآوریم. در این پاسخ نیز تجلی دیگری از روحیه کمونیستی و استواری یک کمونیست را در ادامه راه سرخ خویش میبینیم:

"اتحاد، مبارزه، پیروزی - اتحاد، مبارزه، پیروزی، با شنیدن این شعار، از چهار گوشه چهار راه قدس بطرف صدا جمع شدیم. تعداد - ما ن زیاد بود و همه با شور و هیجان در کمترین مدت در صف بودیم و آه نده برای تظاهرات، صف راه افتاد، پهلکا ردها با لاف و شعارها شروع شد، زنجیر هر چند تا مرتب ولی بسته شده بود. صف بطرف جلوی دانشگاه حرکت کرد. جلوی سر در بزرگ دانشگاه که رسیدیم چنان قدران حزب الهی را دیدیم که با میله های آهنی به صف ایستاده و آنها را بطرف ما تکان میدهند. چند قدمی رد نشده بودیم که حمله آنها به پشت صف شروع شد و همراهِ آن، صدای انفجار رنایک شنیده شد و من سوزنی شدید در پام احساس کردم. رانتم میسوخت، خودم را به پیلاده روی مقابل رساندم و در آنجا متوجه شدم که علاوه بر من، عده دیگری از رفقا هم زخمی شده اند. جراحات من زبنا عمیق نبود فقط یک زخم خون ریزی میکرد که این خود، موضوع خوبی برای افشاگری و توضیح به مردم است. این زخم واقعیت ارتجاع را به مردم ملموس تر نشان میدهد. بعد از کمی افشاگری لازم بود که زخمها را بشویم که چرک نیندازد. از این رومنه راترک گفتم و به خانه رفتم. سینه و پا هم زخمی شده بود. چند تکه از آنها هم به کیفم خورد و آتش را با ره کرده بود. کیفم سندی خوبی برای افشاگری بود. فسر داد

سرمایه فروش نشريات، آنرا به مردم نشان میدادم تا بدانند که جلوی دانشگاه چه اتفاقی افتاده است. شب رفقا خبر آوردند که دوشهید داده ایم آری و خشگیری با سداران سرما به بالاتر از این حرفها بود. میبایستی به مردم خبر میدادیم که "ای مردم بدانید! دانشگاه دوباره شهید داد. روز بعد این کار را کردیم. سرمایه در کنار خیابان پلکا ردها را بالا بردیم و به مردم توضیح دادیم که چگونه ارتجاعیون تظاهرات انقلابیون را با نارنجک مورد حمله قرار دادند و این جز مجازات جاع بیا نگر چیزی دیگری نیست. ما به مردم توضیح دادیم که سنگر آزادی با زهم شهیدخواهد داد و خون سرخ آنها پرچم ما را سرخ و عزم ما را سرخ تر خواهد کرد. ما به مردم گفتیم که نارنجک ساچمه ای با سداران سرما به، همراهِ چماش سرانجام نارنجکی خواهد شد و سربدل مرتجعین فروخواهد رفت. ما به مردم گفتیم و خواهم گفت که تا پیروزی نشانی که استقامت روسیا لیسماست، هیچ چیز عزم و اراده ما را متزلزل نخواهد کرد و ما تا آخرین قطره خون خود مبارزه خواهیم کرد، زیرا آینه پنده از آن کارگران و زحمتکشان است."

پیکار: با درودهای فراوان کمونیستی به رفقای معلول حادثه دانشگاه که به زخمهای خویش همچون مدالهای افتخار در راه آزادی طبقه کارگر مینگرند و مصما نتر، راه را با عشق سربار و کینه ای انقلابی و پربارادامه میدهند و مبارز و مجددمه رفقای شهیدایر و آزادی و دیگر شهیدان و مصدومان و زندانیان به این سلسله مصاحبه ها در این شماره خاتمه میدهم. این مصاحبه ها - هم منظور که قبلا گفتم - نمونه بودند ما از رفقای دیگری که امکان مصاحبه با آنها یا انتشار خاطره شان را در پیکار رنیا فقیتم بیوزش میخواهم. رفقا که ما به پتان استوار، عشقشان به آزادی طبقه کارگر، پایادار و روزمان پیروز باد!



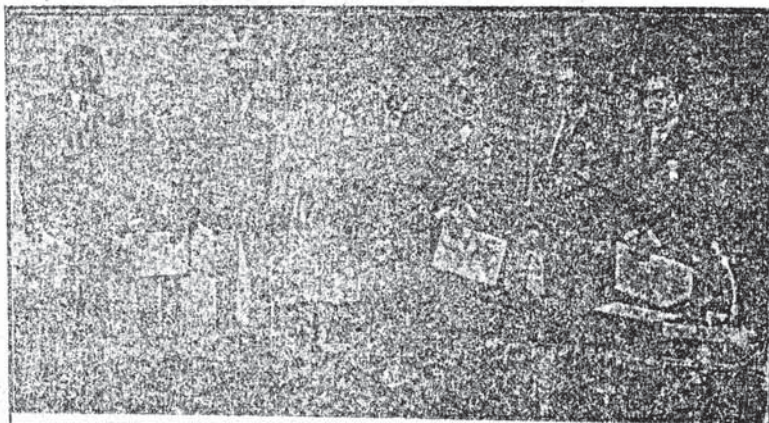
# افراد مورد اعتماد آیت الله خمینی را بهتر بشناسید!

## دکتر علی شریعتمداری عضو "سناد انقلاب فرهنگی" کیست؟

مضامین  
شماره ۱۸  
۲۵۰۰ ساله - اخبار دانشگاه اصفهان  
شنبه ۱۸ آبان ۵۰) و بخاطر این خوش خدمتی ها است  
که نشان درجه چهار همانون " دریافت می کنند.  
(اخبار دانشگاه اصفهان شماره ۲۸۰ - سال ۵۲)



● رژیم وابسته به امپریالیسم شاه برای  
گسترش نفوذ فرهنگ ارتجاعی و امپریالیستی،  
دانشگاهیان و روشنفکران خود فروخته را مورد  
تشکیل "گروه اندیشمندان"، "گروه بررسی  
مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت" و...



والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی در میان اساتیدی که موفق بدیانت نشان گردیدند  
از دست بچپ آقایان دکتر عباس آید کاتر کابینز حاذقی - سردر گامباریان - دکتر معتمدی  
رئیس دانشگاه - علی شریعتمداری - فرهاد آبادانی و فضل اله حکمتیار

● مکتب دوشریعتمداری از جمله اساتدان سر دور  
دانشگاه بود که در این نوطه های ضد فرهنگی  
رژیم ارتجاعی شاه شرکت فعال داشت.  
● شریعتمداری که از طرف رژیم به بررسی  
دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان گمارده  
شده بود در سرکوب دانشجویان ما رزنیزیبا  
ما موران ساواک همکاری نزدیک داشت و  
دانشجویان بسیاری با معرفی این مزدور  
بقعه در صفحه ۲۰

"نهضت آموزش و پرورش در عرصه پهلوی" سخنرانی  
کرده است (اخبار دانشگاه اصفهان شماره ۱۲ -  
مهر ۵۰)

● همواره در مراسم تنگین "دعا و نیایش ۱۵  
بهمن" (روز تیر خوردن جلال خلق در سال ۲۷)  
شرکت مینموده است. مشروح این جریان همراه  
با عکس شریعتمداری در شماره ۳۳ (بهمن سال  
۵۰) و شماره ۹۴ (۱۷ بهمن ۵۱) اخبار دانشگاه  
اصفهان درج شده است.

● علی شریعتمداری در مراسم بزرگداشت  
ضد انقلاب سفید شاه - آمریکا در سال ۵۲ شرکت  
فعال داشت که مشروح آن همراه با عکس وی در  
اخبار دانشگاه اصفهان (۸ بهمن ۵۲) چاپ  
شده است (از چاپ کلیه عکسها بعلت کمبود جاسا  
خودداری میشود).

● شریعتمداری بعنوان استاد مورد "لطف"  
رژیم شاه، بارها نشان و مدال گرفته است. از  
جمله در سال ۵۲ (اخبار دانشگاه اصفهان - دی  
۵۲) که از دست فاطمه پهلوی بدکار رده بر سار  
پهلوی "موفق بدیانت نشان" گردیده است:

● شریعتمداری بیاس خدماتش به رژیم تنگین  
شاه و ترویج فرهنگ امپریالیستی و ارتجاعی،  
تاریخات دانشکده علوم تربیتی نیز رسیده است.  
او یکی از "افتخارات" آموزش و پرورش عصر  
پهلوی را "رسم نظام آموزشی فرانسه در  
دبستانها و دبیرستانها"، "بسته شدن مکتب -  
خانه ها ... " تشکیل سپاه دانش"، "طرح انقلاب  
آموزشی"، "و... اعلام میکند (سخنرانی در جشن -

یکسال پیش و بدنبال تهاجم گسترده رژیم  
جمهوری اسلامی به دانشگاهها و سرکوب و کشتار  
دانشجویان انقلابی و کمونیست که تحت عنوان  
"انقلاب فرهنگی" صورت گرفت، به دستور آیت -  
الله خمینی "سناد"ی جهت برنامهریزی و انجام  
انقلاب فرهنگی، تشکیل شد. روز ۲۳ خرداد ۵۹،  
آقای خمینی با صدور "فرمانی" ۷ نفره از  
مسئولین این "سناد" را انتخاب کرد که از جمله  
آنان حسن حبیبی، جلال الدین فارسی، محمد  
جواد باهنر و علی شریعتمداری بودند (اطلاعات  
۲۴ خرداد ۵۹). ما در مورد سابقه مشعش! برخی  
از آنان از جمله فارسی، باهنر و حبیبی در شماره  
- های گذشته پیکار مطالب افشاگرانه مستندی  
آورده ایم (پیکار ۳۹ و اعلامیه های سازمان و...)  
در زیر چهره واقعی دکتر علی شریعتمداری،  
وزیر علوم دولت بازرگان و یکی از افراد مورد  
اعتماد و منتخب آیت الله خمینی برای "سناد  
انقلاب فرهنگی" را با نگاه اسنادی نکان پذیر  
معرفی میکنیم.

برده برداشتن از چهره این مرتجع بویژه  
در این زمان که در شرایط اوج جنگ قدرت در  
بالا و خلع لیبرالها از قدرت سیاسی و حمله  
آیت الله خمینی و سران حزب جمهوری اسلامی  
به نیروهای انقلابی و کمونیست و نیز کوبیدن  
لیبرالهای خائنین که در چارچوب منافع ضد -  
انقلابی خود حاضر به پیروی از نیات خمینی و  
سیاستهای حزب نیستند (نظیر بنی صدر، بازرگان  
و... در زیر لگوی اشخاص فدا سلام و منحرف و...  
صورت میگردد، از اهمیت بیشتری برخوردار است  
زیرا نشان میدهد که افراد مورد اعتماد دکترونی  
آیت الله خمینی همچون افراد مورد علاقه دیروز  
ایشان نظیر بنی صدر، بزدی، قتل زاده و... که  
بارها از طرف خمینی مورد تائید قرار گرفته اند،  
(بخاطر بیاد و ریم تعریف و توصیفی را که خمینی  
چند ماه پیش هنگام سقوط هلیکوپتر بنی صدر در  
غرب کشور، در مورد وی اظهار کرد و با همین دوسه  
ماه گذشته که در یک سخنرانی اعلام کرد "بنی صدر  
بر قلبها حکومت میکند!!") سرتوبه یک کرباسند  
و آنچه که در حمایت آیت الله خمینی از آنها  
موشراست، میزان تسلیم شدن آنان در برابر  
سیاستهای ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی است.  
اما در مورد سابق "بر افتخار"!! دکتر علی  
شریعتمداری تنها به ذکر چند نمونه از فعالیتها  
سبار "انقلابی" ایشان در سالهای ۵۰ تا  
۱۳۵۵ کفایت میکنیم و از بوسه تحصیلی ایشان  
برای تحصیل در آمریکا و اموریتهای دیگر وی  
در سربزه آمریکا در سال ۴۵ و... میگذریم. علی  
شریعتمداری که یکسال است از طرف آیت الله  
خمینی برای ریختن شالوده فرهنگ و با انقلاب  
فرهنگی! جمهوری اسلامی مأمور شده است،  
بارها و بارها در جشنهای منحوس شاهنشاهی  
شرکت نموده و مراتب "سپاس" خود را نسبت به  
شاهنشاهی اعلام کرده است:

● در تاریخ ۲۵ مهر ۵۰ در جریان برگزاری  
جشنهای منحوس دوجزایروبا نمده در سار



### سرکوب خونین کارگران قهرمان نساجی قائم شهر:

#### لکه‌ننگی دیگر بر دامن رژیم جنایتکار شاه!

★ بمناسبت ششمین سالگرد اعتصاب خونین کارگران کارخانه نساجی قائم شهر

شش سال از اعتصاب خونین کارگران قهرمان کارخانه نساجی قائم شهر میگذرد. در روزها شبکه رژیم و وابسته‌ها میربا لیس شاه جلاد هر حرکت مبارزه جویانه و هر قربانی با حق طلبانه را به شدیدترین شکلی سرکوب میکرد، کارگران زحمتکش با اینکه از یک تشکیلات رهبری کننده سراسری و انقلابی برخوردار نبودند، بسودون حداقل ارتباط و پیوند همتی با جنبش کمونیستی، برای خود میروفتند، و در چنین شرایطی بود که طبقه کارگر قهرمان ایران در زیر سرک سرنیزه و در برابر برتلیک گلوله‌های مسز دوران امیربا لیس و ارتجاع برای تحقق خواسته‌های برحقشان دست به مبارزه میزدند، اما با غلطی فقدان یک تشکیلات انقلابی سراسری کارگری و حاکمیت دیکتاتور سیاه سرما به داری وابسته و جواختناق حاکم برجا معاً اخبار این مبارزات بگوش دیگر زحمتکشان نمیرسد و این مبارزات پراکنده کارگران هیچگونه ارتباط و همبستگی موجود نمی‌آمد.

اعتصاب شکوهمند کارگران مبارز کارخانه نساجی قائم شهر در ۹ تیرماه ۱۳۵۴ از نمونه‌های بارز این مبارزات و خشم خروشان طبقه کارگر قهرمان ایران است.

کارگران قهرمان نساجی قائم شهر در مقابل عدم برداشت کامل "سود ویژه" از طرف سرما به - داران، دست به اعتصاب زدند. عالم زاده مدیر مزدور کارخانه با شکل گوناگون با وعده‌های سرخرمن کوشید تا اتحاد همبستگی کارگران را درهم شکسته و آنها را وادار به کار نماید اما کارگران تصمیم گرفتند تا تحقق خواسته‌شان به اعتصاب ادامه دهند، کارفرمای فدکارگر از شهرپانی کمک خواست و ما موران پلیس جهت سرکوب کارگران اعزام شدند. مزدوران شهرپانی با باتون به صف فرسوده کارگران اعتصابی بورش می‌برند اما کارگران مبارز با سنگ به آنها پاسخ میگویند. در اشدت درگیری، افراد ژاندارمری شیرگاه بمک دیگر سرکوبگران رژیم شاه شتافتند و خمیان رژیم شاه کارگران را به بیرون کارخانه رانده و درهای آنرا بستند اما درگیری کارگران خشمگین و مبارز با مورین زاندارمری و پلیس به بیرون کارخانه کشیده شد و در ادامه مزدو خورد، مزدوران رژیم شاه کارگران و مردم مبارزی که به حمایت از کارگران در اطراف

کارخانه تجمع کرده بودند را به رگبار مسلسل‌های آمریکائی و اسرائیلی بستند و چند تن از زحمتکشان مجروح و چهار زحمتکش دیگر از جمله شهید محمود متنی بشهادت رسیدند و عسده ای دستگیر شدند.

بدنبال بخون کشیده شدن اعتصاب کارگران، دانشجویان دانشرای عالی و گروهی از دانش-آموزان مبارزه پیشبانی از مبارزان کارگران و برای اعتراض به جنایت رژیم شاه جلاد دست به تظاهرات زدند که مجدداً با حمله پلیس مواجه شدند و عده ای از آنان اسیر شدند.

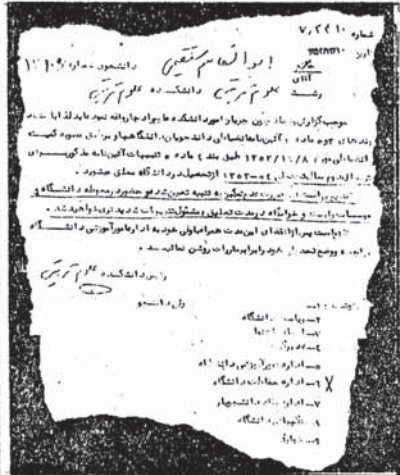
چند روز بعد کارخانه در جواختناق دوباره شروع به کار کرد و کارفرمای مزدور بسیاری از کارگران مبارزان را اخراج کرده و سالن غذاخوری و رختکن کارگران را برای جلوگیری از تماس کارگران با یکدیگر، بیرونی آنها بست.

شکست و سرکوب اعتصاب خونین کارگران نساجی قائم شهر حاوی این درس ارزنده بسیاری طبقه کارگر میباشند که کارگران زحمتکش تنها در مقابل کارفرما و مدیر کارخانه قرار نگرفته اند و برای دفاع از منافع طبقاتی خود با مجموعه دشمن طبقاتی که نظام سرما به داری رژیم که از آن حفظ و حراست میکند مبارزه نمایند. در این راه نامیتوانند فقط به مبارزات محسود و اقتضای خود کفایت نمایند. طبقه کارگر از درون چنین شکست‌ها و سرکوبها و بمک فعالیت - های آگاه هگران کمونیستها در میباید که به پیروزی آنان بردشمنان طبقاتی شان که در دولت سرما به داری و ماشین سرکوب نظامی - دولتی تسلیم میباید، درگروا تحاد همبستگی انقلابی آنان و پیوند مبارزات خود بخود آنان با جنبش کمونیستی و مسلح شدن کارگران به حزب پیشتاز رهبری کننده طبقه کارگر و انقلاب میباید و وظیفه بردن این آگاه‌های بی‌سردن کارگران قهرمان به وظایف سنگینی که بر دوش آنانست بعهده کمونیست‌ها و سازمان همای کمونیستی است.

با ارج نهادن به مبارزات پرشکوه کارگران کارخانه نساجی قائم شهر و تجدید عهد با خون شهدای آن در اینجا مویف کمونیستی - مان، بر طرفه کارگران شهید نساجی قائم شهر درود می‌فرستیم!

### بقیه از صفحه ۱۹ افراد ...

خود فروخته اخراج، دستگیر و زندانی شده اند. ما تنها به درج سندی در مورد اخراج یکی از این دانشجویان مبادرت میکنیم. این سند با مضای شریعتمداری مرتجع صادر شده است:



● دکتر علی شریعتمداری دانشجویان سنگین ۵۰ سالگی سلطنت منحوس پهلوی در سال ۵۵ نیز، خوش-خدمتیهایی بیشمار از خود نشان داده است و به همین جهت مورد عنایت دربار پهلوی نیز قرار گرفته و به عنوان "استاد برگزیده" دانشگاه! و به دربارت آرموشان "مفتخر" شده است. سنگ بر او باد!

نمونه‌های دیگری نیز از خدمات بی‌شائبه! دکتر علی شریعتمداری به رژیم وابسته - امیربا لیس شاه و بویژه در زمینه گسترش نفوذ فرهنگ امیربا لیسیت در دست است، اما از آنجا که نمونه‌های ذکر شده برای نشان دادن ماهیت واقعی این مزدور انقلابی نمای کنونی کافیت از قید آنها خودداری می‌کند.

و اما آیت الله که بندرت پیش می‌آید که در سخنرانی‌هایش به دانشگاهیان متعهد و مبارزان و دانشجویان کمونیست و انقلابی که دانشگاه را به سنگرز مننده انقلاب تبدیل کرده اند، حمله نکند و آنها را "قاسد"، "غرب زده"، "امریکایی" و چه وجه نامد، برای تغییر بنیادی نظام دانشگاهی و بالاتر از آن برای انجام "انقلاب فرهنگی" خود، اشخاصی چون دکتر علی شریعتمداری را انتخاب می‌کند که درست در سالها - شبکه‌های ایران، صحنه‌های پرشور مبارزه دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی بودند و درست در آستانه خیزش گسترده توده‌های میلیونی خلقهای ایران بر علیه رژیم شاه واریابان امیربا لیسیتش و همزمان با مبارزات شکوهمند توده‌های زحمتکش بنیابت "افتخار"! به رژیم وابسته امیربا لیس شاه خدمت میشود آیا وجود افرادی چون شریعتمداری در "ستاد انقلاب فرهنگی"، ماهیت ارتجاعی و عوامفریبانه داد و قالهای رژیم را در مورد انقلاب فرهنگی و ...

را به بهترین صورتی نشان نمیدهند؟ از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی جز این انتظاری نیست.



## فنان، مسکن، آزادی





## چگونه رویزیونیستهای فولاد اهواز، به نفع سوسیال امپریالیسم "طرح" میدهند؟

## اجتماع کارگران فولاد اهواز: مشت محکمی پردهان رویزیونیستها

تونس، مصر، ننجریه، لبنان و اردن بمبده دارد.  
۲- کمپانی مهندسی کورف (دولسدرف -  
آلمان غربی) که مسئولیت فروش به شوری و  
قسمتی از اروپا و آفریقا و خاورمیانه را بمبده دارد.  
۳- کمپانی میتسوئی، که مسئولیت فروش  
در آسیا و استرالیا را عهده دار میباشد.

رویزیونیستهای اکثریت پیشنها میکنند  
که "... با توجه به زیانهای ناشی از کار ریسرد  
احیای مستقیم چه از نظر کمبود تجربه جهانی وجه  
از لحاظ گرانی هزینه ها ... با بیدرجه بیشتر  
از روش "کوره بلند" که در ذوب آهن اصفاها ن سه  
کار گرفته میشود (که هم از آن تر و کارآمدتر است  
و هم امکان دریافت طرح ها و مسائل آن از مالک  
متحد و دوست انقلاب ایران وجود دارد) استفاده  
نمود" (کار اکثریت شمار ۱۱۳ - تا کیدای زیکار)  
این چارگان سوسیال امپریالیسم روس  
پیشنهاد میکنند که باید جهت "راه اندازی  
فولاد اهواز" "سیستم کوره بلند" که فروشنده  
آن شوروی است استفاده کرد. اما بدینست بدانید  
که انحصار امپریالیستی میدرکس، هم اکنون  
مشغول ساختن دویروزه احیای مستقیم طبق  
روش میدرکس در شوروی است که یکی جمعی با  
ظرفیت ۳/۴۰۰/۰۰۰ تن در سال مرکب از ۸ واحد  
و دیگری جمعی با ۴ واحد کارخانه به ظرفیت  
۱/۶۶۷/۰۰۰ تن در سال است که یکی در سال  
۱۹۸۱ و دیگری در ۸۵-۱۹۸۴ مورد بهره برداری  
قرار خواهند گرفت.

بنابراین تلاش رویزیونیستهای توده ای و  
اکثریتی، بازگردن پای سوسیال امپریالیسم بدایره  
قراردادهای امپریالیستی و شرکت دادن آن در  
استثمار دسترنج کارگران در کناره امپریالیستهای  
اروپائی و آمریکائی است نه مقابله با اخراج  
ویبیکاری کارگران، چیزیکه عوام مغربیه نه در پشت  
طرح این شعار مطرح میکنند.  
زنده با وحدت و یکپارچگی کارگران!  
تنگ و نفرت بر رویزیونیستها، این  
خائنین به طبقه کارگران!

از بدو طرح مسئله اخراج کارگران مجتمع  
فولاد اهواز از سوی رژیم جمهوری اسلامی که جهت  
حفظ سیستم سرمایه داری وابسته به منظور تحمل  
با بحران اقتصادی بردوش کارگران صورت  
گرفت، رویزیونیستهای خائنین توده ای و اکثریت  
بعنوان کارگزاران سوسیال امپریالیسم  
نمام قوا کوشیده اند تا با پرده انداختن بر  
واقعیت فوق و پنهان نمودن اینکه اخراج، کاهش  
دستمزدها، بیکاری و فقر و فلاکت ... کارگران  
نتیجه ذاتی سیستم سرمایه داری بطور کلی و  
سیستم سرمایه داری وابسته در ایران بطور  
مشخص میباشد، اینطور وانمود کنند که این  
مشکلات نه از طریق نابودی این سیستم، بلکه از  
طریق ستگیری بسوی کشورهای دوست "وبستن  
قراردادهای گوناگون با این دوستان" قابل حل  
است. این خائنین علت تعطیلی مجتمع فولاد اهواز  
"نداشتن برنا مه برای راه اندازی" آن جلوه  
داده و هدف اصلی رژیم را که اخراج پرسنل (کارگر-  
کارمندان ...) "افزائی" میباشد، به نفع بورژوازی  
لایوشانی کرده و طرحی را برای "راه اندازی" آن  
پیشنهاد میکنند.

ما با آوردن مختصری از طرح کار این مجتمع  
و انحصارات امپریالیستی ای که اجرای طرح را  
بر عهده دارند، به بررسی طرح امپریالیستی  
رویزیونیستهای می پردازیم:  
بهره برداری از مجتمع های فولاد در ایران  
و خصوصاً فولاد اهواز بر اساس سیستم احیای  
مستقیم با روش "میدرکس" صورت میپذیرد.  
امتیاز روش "میدرکس" متعلق به انحصار  
امپریالیستی - آمریکائی میدرکس میباشد.  
این انحصار از طریق کمپانیهای اقماری خود،  
کارهای زاریائی و صنایع کارخانه را بصورت زبرد  
دست دارد:

۱- کمپانی لورگی با مسئولیت محدود  
(فرا تکفورت - آلمان غربی) که امتیاز فروش  
کارخانه های احیای مستقیم طبق روش میدرکس  
را در اروپای شرقی، شبه جزیره عربستان، اسپانیا،  
خائنین که آن را "بیکاری" میخوانند میگفتند:  
"بیکاری که بیکاری، اینجا دشمن ما شما  
هستید. بیکاری روشی اعلامیه های حرفه ای ما را  
میزند."  
در اینجا یکی از نمایندگان به قصد فحاشی  
بمتر و بیشتر رژیم و نوکرانش شروع به صحبت میکند  
که با خلائگرایی توده ایها و اکثریتها و امتیها  
روبرو میشود. وی از کارگران میخواست که اگر  
حرفه ای را قبول دارند تکبیر بفرستند که کارگری  
با فریاد میگوید: "تکبیر چه؟ سه مرتبه مرگ بر  
حزب توده!" و کارگران یکصد فریاد مرگ بر  
حزب توده را سر میدهند.

روزشنبه ۶۰/۳/۲۳ کارگران مجتمع فولاد  
اهواز که در معرض اخراج قرار دارند، برای  
شنیدن نتایج مذاکرات نمایندگان اعزامی به  
تهران، در مجتمع اجتماع مینمایند.  
۱۲ نماینده اعزامی ابتدا گزارش کار  
خود را در "جمع عمومی نمایندگان" منتخب  
فولاد (شورای نمایندگان) مطرح کرده و واکنش  
رژیم را در مقابل خواستهای برحق کارگران،  
محکوم کرده و طرح تعاضلی کردن مجتمع فولاد را که  
از سوی مقامات رژیم مطرح شده بود رد کردند.  
نمایندگان مترقی با صدور قطعنامه ای از خواست  
های برحق کارگران دفاع میکنند.  
این موضعگیری انقلابی و صدور قطعنامه،  
موردا اعتراض شدید عناصر توده ای و اکثریتی و  
امتی که خائنین در صدد نمایندگان کارگران  
قرار گرفته بودند، روبرو شده و از مفای قطعنامه  
خودداری مینمایند.

در اجتماع روزشنبه ۶۰/۳/۲۳ کارگران  
فولاد، سخنگوی نمایندگان گزارشی از سفر  
نمایندگان به تهران و برخورد رژیم بد که ششم  
و تنفر کارگران را برانگیخت، سخنگویس با  
خواندن قطعنامه و اسامی نمایندگان که آنرا  
امضا کرده بودند، دست به افشای عناصر خائنین زد.  
قطعنامه بدست مورد حمایت کارگران قرار  
گرفت. پس از پایان گزارش، یکی از عناصر خائنین  
توده ای شروع به صحبت کرده و نمایندگان مبارز  
را ضد انقلاب خواند و به قطعنامه که مورد تائید  
کارگران قرار گرفته بود حمله برد. این نوکر  
سرمایه داری در ادامه حرفهایش میگفت: "اینجا  
جریانات ضد انقلابی که قصدشان اینجا دهنج  
داخلی و شکست انقلاب اسلامی است میخواهند  
هدفهای خود را پیش ببرند. آنرا اعلامیه داده اند  
که با بدنه از اسفادی را که بنا نمابنده،  
به کارگران خیانت کرده اند مثل لاشه گ بیرون  
انداخت. یکی از آنان من هستم. ما گفتیم باید  
طرح بدیهه ولی اینان نگذاشتند". یکی از  
کارگران در پاسخ وی فریاد زد: "طرح کدام است،  
اینها همه توطئه برای اخراج ما ست". کارگران  
بدست نسبت به حرفهای این توده ای خائنین  
اعتراض کرده و خواهان کناره رفتن آنان از شور  
شدند و با شعار "مرگ بر حزب توده" نفرت خود را از  
رویزیونیستهای خائنین بیان میکردند. خائنین که  
این چنین با موج نفرت و خشم کارگران روبرو  
شده بودند هرگز رگرمعترضی را "بیکاری" خطاب  
نکردند. چند تن از کارگران به یک اکثریتی

کارگران بطور وسیع دست به افشای خائنین  
زده و با هو کردن آنها ختم جلسه را اعلام میکنند. در  
این اجتماع نمایندگان به اتفاق کارگران  
تصمیم میگیرند که همه کارگران بطور جمعی  
برای مذاکره مستقیم با مقامات رژیم به تهران  
بروند و در این رابطه صندوقی جهت جمع آوری  
کمکهای مالی برآوردند. همچنین کارگران  
بر ضرورت حمایت کارگران شاغل در مجتمع و  
پیوستن آنها به جمع بیکاران، تاکید کردند.  
هرچه افزونتر با آگاهی و همبستگی  
طبقه کارگران!  
مرگ بر سرمایه داران و نوکرانشان!





بقیه از صفحه ۳ انجمن ...

کارگران از انجمنهای اسلامی، آنا نرا به عمل مستقیم بر علیه این ارگانها واداشته است. اکنون با توجه به تعرض ضد انقلابی جدید رژیم جمهوری اسلامی بر علیه بقایای آزادیهای دمکراتیک حاصل قیام و با توجه به تصرف بیش از پیش مواضع کلیدی قدرت توسط حزب، نقش انجمنهای اسلامی کارخانجات در سرکوب مبارزات کارگران وادام زدن به جوتسور و خفتان فاشیست گونه در کارخانها، بمراستب افزایش یافته و در بسیاری موارد این انجمنها بصورت مقتدرترین و علمی ترین ارگان ضد انقلابی در مقابل کارگران قد علم کرده اند.

با پس رانده شدن سازمان بیشتر لیبرالها از مواضع قدرت و کاهش نفوذ و نقش آنها در کارخانجات (که عمدتاً در مدیریت بود)، بعبارت دیگر با فسرده و یکپارچه تر شدن صف ضد انقلاب در کارخانجات، مبارزه کارگران برای تحقق خواستههایشان دشوارتر میگردد. ضمن آنکه با ابطال هر چه بیشتر آزادیهای دمکراتیک در محیط کارخانها که تلاش برای اجرای "آئین نامه انضباطی" یکی از جلوه های آنست، مانع بزرگی بر سر راه آگاهی و تشکل کارگران میباشد. انجمنهای اسلامی به پیروی از سیاست حزب جمهوری، درخواست منطقی ورفاهی کارگران را سرکوب کرده و در عوض شرایط را برای کار و تولید بیشتر و در نتیجه استثمار روحیانه تر فراهم میسازند، هر روزه با افزایش آگاهی طبقاتی کارگران منجر گردد، مسدود میماند، اما زنده هیچگونه تشکل واقعی را به کارگران نمیدهند، کارگران آگاه و مبارز و "مازادبسر احتیاج" را اخراج میکنند، به تعطیل مراکز تولیدی کم منفعت دست زده و بیکساری را در جامعه مانع میزنند و بطور کلی این انجمنهای اسلامی مستحکمترین بورژوازی و سرکوبگرانه خود را به عربان ترین شکل، با تمام قوا و بصورت یکپارچه به مرحله اجرا میگذارند. بدین لحاظ است که میبایست با تمام قوا در مقابل این دارودسته های ارتجاعی رژیم ایستاد و اجازه تثبیت آنها را نداد.

نخستین گام عملی کارگران در شرایط فعلی، میبایست انحلال انجمنهای اسلامی، این جماعتی سرکوب حزب جمهوری اسلامی باشد. گامی که با قاطعیت و فوریت بسیار توسط کارگران متحداً میباید برداشته شود، تا راه برای گسترش و تعمیق مبارزات کارگران فراهم گردد. در این رابطه دفاع از آزادیهای دمکراتیک در محیط کارخانها و همکاری تمامی کارگران کمونیست و

انقلابی جهت جلوگیری از سرعوب شدن کارگران در مقابل سرکوبگرهای رژیم و انجمنهای اسلامی، ضرورت بسیار میباید:

اما آنچه که با توجه به مطالب فوق میبایست مورد توجه قرار گیرد اینست که انحلال انجمن اسلامی زمانی در پیشبرد مبارزات کارگران موثر واقع خواهد شد که شوراهای واقعی جایگزین این انجمنها و شوراهای قلابی گردند. بعبارت دیگر هماهنگی تجربیات متعدد شکستها و پیروزیهای مبارزات کارگری نشان داده، چه برای رسیدن به پیروزیهای مقطعی و چه برای حفظ دستاوردهای آنها، اما دادگاهها نه کارگران که در تشکیلات ما دیت میباید، لازم است و در شرایط کنونی تشکل لازم برای کارخانجات، شوراهای منتخب از نمایندگان واقعی کارگران که سیاسیست انقلابی بر آنها حاکم است، میباید. این گام دوم در جهت پیشبرد مبارزات کارگران محسوب میگردد.

برای برداشتن این گامها و ادامه آنها در جهت تعمیق هر چه بیشتر مبارزات کارگران، افزایش آگاهی طبقاتی کارگران و آموزش هر چه بیشتر آنها در برخورد با کارفرما، مسائل سیاسی جامعه، نقش و وظیفه تشکیلات کارگری، کمونیستها و اهدافشان و ... بیش از پیش ضرورت می یابد که پیشبرد این امر مستلزم وجود امکانات هر چند محدود و نسبی برای تبلیغ و ترویج در میان کارگران است، از اینرو باید برای کارگران توضیح دهیم که چرا حفظ و گسترش آزادیهای دمکراتیک در جامعه و کارخانها و مبارزه با انجمنهای اسلامی بخصوص در این رابطه، اهمیت بسیار دارد.

با توجه به آنکه رژیمهای سرمایه داری برای اعمال دیکتاتوری طبقاتی خود بر علیه توده های زحمتکش، به ارگانهای متعددی برای سرکوبگری و کنترل واداره موسسات احتیاج دارند، رژیم جمهوری اسلامی نیز از طریق انجمنهای اسلامی خود در کارخانجات، نه تنها به شنا ساشی و تعقیب کارگران مبارز و کمونیست پرداخته و با ایجاد دفتر در صفوف کارگران سعی در به شکست کشاندن مبارزاتشان مینماید، بلکه با دخالت و کنترل در مدیریت واداره کارخانجات، سیاستهای پانده حزب حاکم را پیش میبرند. از اینرو مبارزه با این تشکلهای ارتجاعی و ضد کارگری از یکطرف موانعی را که بر سر راه مبارزات کارگران قرار میدهند، بر طرف میسازد و از طرف دیگر به پایهای حاکمیت رژیم در کارخانها ضربه زده و در واقع قدرت و حاکمیت جمهوری اسلامی را هدف قرار میدهد. بنابراین مبارزه برای انحلال انجمنهای اسلامی و جایگزین کردن قدرت شوراهای واقعی کارگری در کارخانها، مبارزه ای سیاسی است که طبقه کارگر میبایست بر علیه رژیم سرمایه داری حاکم پیش برد.

در کنار انجمنهای اسلامی، شوراهای قلابی و دولتی در بسیاری از کارخانها ایجاد شده اند که هدف رژیم از تشکیل آنها یکی لوث کردن نقش و ماهیت شوراهاست. بدین صورت که اولاً کارگران را نسبت به تشکیلات بدبین مینماید، هماهنگی رژیم شاه با ایجاد سندیگاهای زرد و سواک ساخته خود، این روحیه بدبینی را در کارگران بوجود آورده بود که با توجه به نقش تشکیلات کارگری که صلاح مبارزاتی کارگران در مقابل توطئه های سرمایه داری می باشد، ضربه بزرگی بر یک جنبش کارگری بود. بنابراین زمانیکه در کارخانها ای یک تشکیلات کارفرمائی بنام "شورا" وجود داشته باشد، کارگران را دیگر نخواهند توانست شورای واقعی خود را برپا سازند، مگر آنکه ابتدا این شورای قلابی را منحل نمایند که با توجه به حمایت همه جانبه رژیم از این شوراهای واقعی، این راه برای کارگران دشوارتر میگردد.

هدف دیگری که رژیم از ایجاد شوراهای دولتی دنبال میکند، منحرف کردن مبارزات کارگران از طریق کشاندن آنها به شرکت در مدیریت کارخانها میباید. بدین صورت که با شریک شدن شوراهای دولتی (که به اصطلاح نماینده کارگرانند) در مدیریت کارخانها، چنین وانمود میسازند که گویا کارگران خود همه قدرت را در کارخانها بدست دارند و دیگر کارفرمای سرمایه داری نیست که بخوانند بر علیه استثمارگری های وی مبارزه کنند! بنابراین میبایست تا سرحد توان کار و تولید کنند و صدایشان هم در نیاید!! از اینروست که این حیل رژیم سرمایه داری را میبایست با افشا و انحلال این گونه شوراهای ضد کارگری خنثی کرده و بجای آنها شوراهای واقعی کارگری را برپا نمود.

انجمن اسلامی، شورای قلابی، منحل یا بدرگردند! شوراهای واقعی ایجاد یا بدرگردند!

بقیه از صفحه ۶ اعتصاب ...

کارگران شیفت دوم به سرکار آمدند بخاطر اینکه از خواسته های اعتصاب کنندگان برایشان صحبتی نشده بود و بدلیل نبود تشکل کارگری جهت رهبری نمودن، اعتصاب در بعد از ظهر همان روز پایان میگردد. کارگران ارج یکبار دیگر در تاریخ ۶۰/۳/۲۵ جهت برآورده شدن خواست قبلیشان دست به اعتصاب زده و مدیریت کارخانه را به گروگان میگيرند و اعلام میکنند تا آمدن نماینده دولت برای پاسخگویی به اعتصاب خود ادا می دهند.

کارگران مبارز! درست مبارزات خود شورای واقعی خود را نیز تشکیل دهید و مبارزه خود را متشکل به پیش ببرید!



**کارگران! در صف مقدم مبارزه برای دفاع از آزادیهای دمکراتیک و ایجاد شوراهای واقعی به پیش!**



بقیه از صفحه ۲۴ یادداشتها...

نقطه ای تصویر کرد که سازمان مجاهدین بسا پذیرش خط مشی پیکار، "تئوری جنگ داخلی" و آغاز آن را در این شرایط پذیرفته و بر اساس آن دست به عمل زده است. ارتجاع، حرکت روز شنبه را "نتیجه" چنین "پذیرش" قلمداد مینماید! اما واقعیت چیست؟ ورژیم چه مسئله ای را مورد تحریف اساسی قرار می دهد و می گوید زده شده ها را برآورد؟ تا آنجا که به شنبه خونین مربوط میشود، کمتر کسی این ادعای مضحک و ضد انقلابی و فریبکارانه ورژیم را که توده های وسیع شرکت کننده در روز شنبه، تحت رهبری نیروهای آگاه به طور مسلح و برای ایجاد "جنگ داخلی" به خبا بانه آماده بودند، باور میکنند. این حربه های زنگ زده تبلیغاتی را مردم مبارز ما با رها و با رها در تجربه مبارزان تیشگان آزموده اند.

آنها می دانند که حادثه روز شنبه، حرکت ساده ای بود از نمایش وسیع و عظیم توده های مردم، در اعتراض به رژیم حاکم و سرکوبگرها و جنایات و حرکات ضد انقلابی آن در این دو سال؛ حرکت آرام و نظرات مسالمت آمیزی که توسط ارتجاع مسلح به خون کشیده شد و توده های نظامی هرگز نماندند تنها با هروسيله ساده ای که بدست آوردند، به دفاع از حیات و زندگی خود در برابر این تهاجم مسلح پرداخته شدند. هرکس می داند که این روز، روز روزی توده های بی دفاع و بدون سلاح با مزدوران مسلح ارتجاع بود که در میان خود جویبارهای خون مردم مبارزان در کوجه ها و خبا بانه جاری کرد.

و اما در مورد "تئوری جنگ داخلی" که ارتجاع حاکم آنقدر به آن "علاقه مند" است! در این مورد بدون شک سخن بسیار است و برای روشن شدن اذهان توده ها، ما در این مقاله مقالاتی را به توضیح نظریات کمونیستها در این مورد اختصاص خواهیم داد. اما در همین سطوح باید با دوری نمود که جنگ داخلی از نظر کمونیستها به چه معناست و چگونه مورد تحریف ارتجاع قرار میگیرد و همواره از جانب آنها به مثابه یک حربه به اصطلاح تبلیغاتی بر علیه نیروهای کمونیست و انقلابی بکار رفته است. در روسیه نیز بیورژوازی، بویژه در دوران بیسن انقلاب فوریه تا انقلاب اکتبر، از این حربه بسر علیه بلشویکها سود می جست.

کمونیستها، خواهان "انقلاب" هستند، آنها نیروی محرکه هر انقلابی را مبارزه طبقاتی میدانند. کمونیستها تئوری مبارزه طبقاتی را از بنیاد نهی اساسی اعتقادات خود می دانند. آنها معتقدند که مبارزه طبقاتی در جریان تکامل خود اشکال گوناگونی بخود می گیرد که عالیتترین شکل تظاهرات، شکل مبارزه مسلحانه و قهرآمیز میان طبقات متخاصم میباشد. تکامل مبارزه طبقاتی به عالیتترین شکل خود یعنی مبارزه مسلحانه انقلاب وارد و گاه ضد انقلاب با یکدیگر است که بدنبال آن توده های مسلح میتوانند با تکیه بر سلاح خود، رژیم

های ارتجاعی و ضد انقلابی را درهم شکنند و قدرت سیاسی را به کف گیرند. این سربد قهرآمیز میان انقلاب و ضد انقلاب، طبقات انقلابی و طبقات ارتجاعی، توده های مردم ورژیم سیاسی ضد-انقلابی حاکم، همان "جنگ داخلی" است. و به بیان دیگر از نظر کمونیستها "جنگ داخلی" به مفهوم طبقاتی آن جنگ میان توده وسیع کارگران و زحمتکشان در اردوگاه انقلاب، بر علیه ضد انقلاب حاکم، در عالیتترین شکل آن یعنی مبارزه مسلحانه است. تجربه همه انقلابات جهانی نشان داده است که بدون یک جنگ داخلی هیچ انقلابی نتوانسته است به پیروزی دست یابد. انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب چین، ویتنام، ... قیام ۲۲ بهمن ماه نیز نشان داد که توده ها، علیرغم تمام یل و وحشت ناهیران از جنگ داخلی و تسلیح مردم، بطور خود بخودی و با درک غریزی از تفاذشتی نابپذیر خویش با ارتجاع دست به سلاح برده و به مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم ارتجاعی حاکم دست زدند و صحنه های پرشکوهی از جنگ داخلی بر علیه رژیم حاکم را بوجود آوردند.

این چنین است درک و موضع کمونیستها نسبت به جنگ داخلی. با این توصیف کمونیستها فقط در شرایطی مبارزه مسلحانه را بمثابه عالیتترین شکل مبارزه توده ها، جا بزمیشمارند، که توده ها در استان انقلاب قرار گرفته و سربد قطعی را در دستور کار خود قرار داده باشند، زمانی که تکامل مبارزه طبقاتی این عالیتترین شکل مبارزه را در دستور گذاشته و تکامل عینی تضادها، جا معرا در استانیک جنگ داخلی - جنگ ملی و طبقاتی - قرار داده باشد.

بدین قرار، کمونیستها، بعنوان یک سازمان سیاسی انقلابی هرگز خود جنگ داخلی را نمی آفرینند! و این همان نکته است که مورد تحریف ارتجاع حاکم قرار میگیرد. کمونیستها، تنها سازمان دهنندگان و هدایت کنندگان مبارزه توده ها در اشکالی که بحکم شرایط عینی مبارزه آنها، شکل میگیرند، می باشند و نه آفرینندگان این اشکال مبارزه. آنها انقلاب را کار توده ها می دانند و بر این نظر به خط بطلان کشیده اند که خود به جای توده ها انقلاب کنند.

بر این اساس در شرایط کنونی که مبارزه توده ها در سطح و اشکال پائین تر خود بر علیه ارتجاع حاکم جریان دارد، کمونیستها متناصب با این اشکال مبارزه و برای ارتقاء آنها فعالیت و عمل میکنند. این شرایط هنوز بهیچوجه، مبارزه مسلحانه را در دستور کار مبارزه توده ها قرار نداده است. و همین جهت آنها شدت با ایجاد جنگ داخلی در این شرایط که تنها به انقلاب فریه میزنند و بس، مخالفت می کنند. کمونیستها طرفدار تئوری مبارزه طبقاتی و طبعا عالیتترین شکل آن یعنی جنگ داخلی هستند اما در این شرایط شدت با هرگونه تشبیه ای که بخوادید جنگ زودرس و

سراسری را به انقلاب تحمیل کند، مبارزه میکنند. و این همان نکته ای است که ورژیم جمهوری اسلامی شدت در صدد تحریف و مخدوش کردن آن است تا توده ها را بر علیه نیروهای آگاه انقلابی و کمونیستها برانگیزاند، توده ها شای که هنوز در سطوح پائین تریه مبارزه خویش ادامه می دهند.

با این وصف روشن است که تبلیغات ضد-انقلابی ورژیم پیرامون حوادث روزهای اخیر و بویژه روز شنبه خونین، که بر اساس آن میگویند چنین وانمود کنند که نیروهای کمونیست و انقلابی خط مشی مبارزه مسلحانه و جنگ داخلی را با رژیم و "مردم مسلحان" در پی داشته گرفته اند، تنها بهانه ای است برای توجیه کشتارهای وحشیانه خود و به خون کشیدن حرکتی اعتراضی توده ها بر علیه ستمگرهای ارتجاع حاکم. اما همچنان که تجربه انقلابات همه کشورها نشان داده است، این دسائس تبلیغاتی ارتجاع، تنها چهره آوارسوا ترخواهند نمود و این حربه نیز نخواهد توانست دستهای خونین وی را در برابر بردیگان مردم، پوشیده و پنهان نگا هدارد.



بقیه از صفحه ۲۴ اگر اربان...

تنهای استوارشان با قهوجا قوو... شکاف بر میدارند و لبها سپا نشان بدست مدعیان "صمت" و "طهارت" پاره پاره میگردند.

سگهای با سان سرما به داری از هر جرعه روشنائی بخش بر خود میبزنند و از این کتابهای کمونیستی و انقلابی را با تش میکشند و گمان اینک تا بش خورشید آگاهی را با لکه های سیاه آتش کینه ارتجاعی، نمیتوان سد کرد.

"حکام جلا جمهوری اسلامی هر مخالفی بسا رژیم را زیر پوش عوا مغربیان و توطئه گرانه دشمنی با خدا" به صلابه میکشند و دستور قتل عام فرزندان انقلابی زحمتکشان را در کوچه، خیابان، بیمارستان و زندان مادر میکشند و توده های انقلابی را گروه گروه به شکنجه گاهها می کشانند.

اما رهروان عاشق راه سحر از قساوت و رذالت پاسداران شب چه باک!

همچنانکه زندانبانان جلا رژیم شاه سیرکت طوفان انقلابی جنبش توده ها با انتقام انقلابی آنان مواجه شدند، دیری نخواهد که شید که زندانبانان جمهوری اسلامی بهمان سرنوشت دچار شوند.

دیوارهای زندانها با زهم فرخو هد ریخت و توده های زحمتکش خلق، عزیزان خود را چون جان در آغوش خواهند فشرد.



توضیح:

دنباله مقاله "منشاء مذهبی لایحه قصابی و برخورد مجاهدین با آن" که در شماره قبیل، قسمت اول آن را مطالعه کردید، علیرغم ضرورت عام آن، در شرایطی مناسبت درج خواهد شد.





**شنبه خونین؛**  
**جانان و حشانه**  
**رژیم جمهوری اسلامی**  
**و تبلیغات فریبکارانه پیرامون**  
**"جنگ داخلی"**

**یادداشت‌های**  
**سیاسی**  
**هفته**

**اگر ایران سراسر**  
**زندان شود،**  
**توده‌ها تسلیم**  
**نخواهند شد!**



دامنه خنثی و طلب آرزوهای دموکراتیک (که خود حاصل قیام شکوهمند و خونین سپهر ما بود) روز بروز گسترده‌تر می‌شود. دیوارهای زندانهای آریا شهری کدزمانی خراب شده‌بود، روز بروز بلندتر می‌شود و سیمای خاردار، قفاهای بستری را در بر میگیرد. گوهشتای سرفراز و دشت‌های گسترده ایران که تا پیش از، جوانان مبارز و پر شور را به خود می‌دیدند و بدانان درس استقامت می‌آموخت و دیدار افق‌های باز و روشن را شویدمیداد، بدست رژیم جمهوری اسلامی و ابزارهای سرکوبگر آن (کمینه‌ها و پادگان و...) به روی جوانان مبارز زود لبر بسته میشود. دارو دهنده‌های کورو فلاژید سوراخ‌هایان خندانان خود، در کوهستان نیز، چون سنگ‌های شکاری که شمع شیب انقلاب بیرون فرستاده می‌شوند تا طعمه‌های سازه بیچنگ آورند.

با ندای سیاه و آدمکش حزب جمهوری اسلامی در کوه‌ها و خیاها، تا شما، جان توده‌های قهرمان می‌افتند و سینه‌های لپیده و خونین آنها را تحویل پاداران سرما به میدهند تا سراسر تشبیه رژیم سرما به داران به زندانها و خانه‌های امن ساواکی‌های جدید فرستاد شوند و شکسته شوند و بی‌س دفاع از انقلاب‌های نخب زحمتکشان و به "جرم" داشتن عقاید انقلابی و کمونیستی قلمی گردند و گروه‌گروه به جوجه‌های اعدام مزدوران سرما به سیرده شوند.

دختران جوان و انقلابی مورد سوء خنثیانه مزدوران فلاژید قرار میگیرند و به "جرم" اعتراض به سرکوب و بیروهای انقلابی و عشق به زحمتکشان،

نقشه در صفحه ۲۳

همه و همه صحنه‌های بیادماندنی از آن روز هسته‌گرددن همه نقش بسته است. حملات وحشیانه ارتجاع در این روز خوین به صفوف مردم میدان، دهها کشته و صدها مجروح و دستگیری از خودبهای گذاشت، و سرانجام رژیم دخلقی جمهوری اسلامی، با اعدام و تیرباران دهها تن از کمونیست‌ها و مجاهدین نازندانها، برده‌ای نمایش جنایتکارانه را تکمیل نمود و بدین - ترشیبکینه و وحشتخدا نقلی خویش را از انقلاب توده‌ها، به عربان ترین تکلی نمایان ساخت. رژیم همه‌این جنایات خدا نقلی را در تبلیغات فریبکارانه خویش تحت این بهانه سربوش گذاشت، که در این روز نیروهای انقلابی اعلان جنگ مسلحانه به رژیم داده اند و به قصد رویا روشی مسلحانه با رژیم، به خیابانها ریخته و نظارات مسلحانه بر آنها انداخته‌اند. فراتر از این رژیم با بی‌ثرمی تمام، مذبوحانه در ارگانهای تبلیغاتی خود همه این جنایات و کشتارها و فجایع را به گردن نیروهای انقلابی افکنده و آنها را باعث و سانی این کشتارها قلمداد کرد!

این سلاح تبلیغاتی، سلاح تازه‌ای است؛ همه رژیم‌های ارتجاعی، یکی از طرق توجیه جنایات خویش را در این شیوه تبلیغاتی فریبکارانه یافتند. رژیم ارتجاعی حاکم نیز از جدتها پیش در همه ارگانهای تبلیغاتی اش پیرامون "سیاست تیروها برای "بزدانان خنثی جنگ داخلی"، تبدیل ایران به آلبانستان" و... در ایما دست کرده‌ای به تبلیغ پراخت و چنین وانمود کرده‌ای انقلابیون می‌خواهند در این شرایط دست به ایجاد یک جنگ داخلی بزنند و سلاح را در دستور قرار دهند. آنها حتی تا به آنجا این تبلیغات تحریف آمیز و فدا نقلی خویش را ادامه دادند که از این "گفت" بدیع خود سخن گفتند که خلافت سازمان مجاهدین و سازمان سیکا سرسرا آن بود که بی‌کار خواهان ایجاد جنگ داخلی در این شرایط است! اما مجاهدین علیرغم اعتقاد به آن از لحاظ اصولی در این شرایط آن را "زودرس" می‌دانند. کمتر روزی تا رژیم را میتوان سراغ کرده‌ها را این نکته را در مفاصل و مقالات خویش، بصورت مستقیم تیک مطرح نکرده باشند. و در بی‌اسن کشف بدیع! سرانجام رژیم حاکم در روز شنبه را

نقشه در صفحه ۲۳

شنبه هفته پیش را بحق میتوان شنبه خونین نام نهاد. روزیکه بی تردید در تاریخ مبارزات برحق و عادلانه خنثی‌های ایران، به عنوان نمونه برجسته‌ای از وحشیگری ارتجاع در کشتار و سرکوب مردم، به ثبت خواهد رسید. در این روز توده و سیمی از مردم مبارز به تنگ آمده میهنمان در شیران، به دعوت غیر رسمی سازمان مجاهدین به خیاها آنها ریختند، و فریاد اعتراضات خویش را بر ضد جنایات و وحشیگریهای رژیم جمهوری اسلامی و پرچم حزب رسوای جمهوری اسلامی بلند کردند. این توده وسیع گرچه شعارهایشان آغشته به شعارهای لیبرالی بود و ظاهرا در دفاع از بنی صدر، به خیاها خیا ریخت، بودند؛ لیکن علیرغم این توهمات و آنجیزی که عامل و علت اصلی این حرکت توده‌ای را تشکیل میداد، تا زمانیتی وسیع توده‌ها از تم اعتقادی و سیاسی و بی‌بی‌بی سرکوب آزادیهای دمکراتیک توسط ارتجاع حاکم و بی‌بی‌بی حزب جمهوری اسلامی که اهرمهای اصلی قدرت را در دست خود متمرکز نموده است، بود. حرکت وسیع مردم مبارز در این روز، آنچنان جلوه‌ای از قدرت توده‌ای را به نمایش گذاشت که پشت ارتجاع را به لرزه درآورد و همیمن واقعیست سبب عکس العمل آنچنانی ارتجاع حاکم و سردوران حزب جمهوری اسلامی گردید که در طی آن یکی از فجع ترین صحنه‌های کشتار و شور و سر و زوب و جنایات آفریده شد. هرگز در آن روز از خیاها نیازی به نماند و جدا قل از کتار صحنه های خونین رویا روشی ارتجاع توده مردم که کرده‌ها شد. میتوان نامدها صحنه از جنایات و نالانگری مغول و مزدوران رژیم و پادشاهای سیه فالانژ حزب جمهوری را به زبان آورد. کشتار و نظا حرکتکشان توسط پاداران رژیم - بدست ارتجاع، که صحنه‌های کشتار مزدوران رژیم بنا را بیاد می آورد، حمله مزدوران سازمان با منته فالانژ به صفوف مردم در گوشه و کنار مسابله‌های شهر، با انواع سلاح‌های گرم و سرد، با قوت و بی‌چاقی و... و فرور کردن آن در قلب و بدن آنها و شناسایی عناصر مبارز و سپس گرفتن آنها به زیر حملات مشت و لگد و چماق و چاقو تا سرحد مرگ و بدستگیری و خنثی‌های آنها توسط مزدوران کمینه و پاداران رویا ندهای ساه و...

**مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست**